

۶۳ سال پیش حزب کمونیست ایران تشکیل شد

در صفحه ۵

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

پنج ماه پس از آغاز تهاجم همه جانبه امپریالیسم و ارتجاع داخلی به حزب توده ایران، دستگیری غیرقانونی رهبران و هزاران تن از کادرها و اعضای حزب و به نفاش گذاشتن مضحکه "نگین باصلاح" اقا ریسر "در تلویزیون" همچنان شاهد تدارک و اعمال دهشتناکترین جنایات "ساواک" در "خدمت" جمهوری اسلامی هستیم.

چند روز پیش خیرگزاریهها و رسانه‌های گروهی امپریالیستی از اعدام پنهانی رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، خیر دادند. با توجه به سکوت دولت ایران در برابر این "خبر" چنین می‌نماید که سازمانهای جاسوسی امپریالیستی و همکاران "ساواک" بی آنها با نشر اینگونه گزارش‌های تحریک آمیز تدارک جنایات باز هم سنگین تری را می‌بینند.

در پی شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی بدست شکنجه گران "اوین"، گزارش‌های گوناگون سخن از آن می‌گوید که گویا هم اکنون تنی چند از دیگر فرزندان برومند حزب پرافتخار توده ایران، زیر شکنجه‌های ددمنشانه پهلالت رسید مانند: در این گستره، از جمله، از رفقا احسان طبری، مریم فرمانفرمایان (قیروز)، کاگیک آوانسیان، عباس حجری، آصف زرمیده، محمد امینی و غیره، نام برده می‌شود.

بقیه در صفحه ۱۵

راه توده

شهر مولان حزب توده ایران در خلیج از کشور

جمعه ۱۷ خرداد ۱۳۶۲ مطابق ۲۲ رضان ۱۴۰۳ و ۸ روزه ۱۹۸۴ سال اول شماره ۴۹ بهار ۶۰ سال

رفیق آوانسیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه شهید شد



رفیق کاگیک آوانسیان که بهنگام به اصطلاح مصاحبه‌های تلویزیونی با حالتی نیمه مرده لحظاتی کوتاه روی پرده کوچک تلویزیون نشان داده شد، این مصاحبه‌ها "و یا چند روز پس از آن بر اثر ضربات و جراحات وارده و مسمومیت ناشی از داروهای اعتراف‌گیری" جان خود را از دست داده است.

بقیه در صفحه ۳

طبق اخبار رسیده از زندان اوین و بدنبال شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی اکنون رفیق کاگیک آوانسیان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، فرزند قهرمان طبقه کارگر ایران، که یک عمر برای به ثمر رساندن خواست‌های ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی - دیکتاتوری و عدالتجویانه مردم میهن ما رزمیده بود و در زمان رژیم شاه خائن به زندان افکنده شده و شکنجه دیده بود، در اثر جراحات و صدمات ناشی از شکنجه‌های بربرمنشانه در فراموشخانه‌های جمهوری اسلامی ایران و بدست جنایتکاران ساواکی و "سیا" چهرگان گمنام و با نام به شهادت رسیده است!

در جستجوی کدام "قهرمان" اند؟

"بالاخره اینقدر فشار را سنگین کردند که دیگر ادامه آن برنامه (اجرای بند ج) طرح قانون اصلاحات ارضی پیشنهاد شورای انقلاب) به صلاح انقلاب و به صلاح اسلام و به صلاح مردم نبود و به این جهت بود که امام دستور توقف آن را دادند. ایشان تخییر عقیده ندادند. . . . ایشان احساس کردند که مانع، سر راه است و اگر بخواهد ادامه داده بشود به نفع مستضعفین تمام نمی‌شود. (سخنان آیت الله جنتی پیرامون مسائل و مشکلات طرح اراضی) - اطلاعات ۱۲ خرداد (۱۳۶۲)

این شیوناست، که در تمام طول چند سال پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران توسط نیروهای معاشاتگر دیورزی و تسلیم طلبان امریزی بکار برده شده است.

آنها زیر فشار شان تاژ کمونیست ستیزی ضد انقلاب و راستگرایان در عین حال که از نظر ترکیب قوا - حضور زحمتکشان - و تفوق نیروهای مردمی توان مقاومت و تحقق خواسته‌های زحمتکشان را داشتند، تن به عقب نشینی دادند، به امید آنکه گویا روزی پس از برطرف شدن "موانع" راه قطع شده را ادامه دهند! مسکوت گذاشتن اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و به ویژه بند "ج" آن، که سر آغاز چشمگیری این

بقیه در صفحه ۶

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می‌دهند

این مدافع راستین انقلاب و منافع زحمتکشان ایران و رهبران و اعضای در بند آن، که قربانی نقشه‌های شوم امپریالیسم و راستگرایان جهست سرنگونی انقلاب مردمی میهنان گردیده‌اند، تشدید نمودند.

در همه این اکسیونها، محافل مترقی و دمکراتهای جهان، یکصد، اعمال روشهایی و حشیاانه را علیه مبارزین توده‌ای، محکوم کرد. بویه

بقیه در صفحه ۲

در روزهای اخیر، تلاش برای نجات جان زندانیان توده‌ای، که در بند حاکمیت راستگرایی جمهوری اسلامی ایران گرفتارند، هرچه بیشتر گسترش یافته است.

محافل دمکراتیک جهان، به شیوه‌های گوناگون، از دادن امضاء تا انجام تظاهرات در مقابل سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف و برگزاری کنفرانسها و میتینگهای همبستگی، حمایت خود را از حزب توده ایران

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۱

عناوین مختلف، آزادی آنان را طلب می کنند و این موج آرام ندارد.

همبستگی کمونیستهای فرانسه با حزب توده ایران

در روزهای یازدهم و دوازدهم ژوئن (۲۱ و ۲۲ خرداد ماه)، جشن محلی حزب کمونیست فرانسه در لیون برگزار شد. در این جشن، سه کشور آفریقای جنوبی، نیکاراگوئه و ایران، در صف اول همبستگی قرار داشتند و از توجه خاصی برخوردار بودند.

دبیر ایالتی حزب کمونیست فرانسه (ناحیه ژن)، در نطق افتتاحیه، غرقه های بین المللی، به موقعیت حزب توده، ایران اشاره کرد و حاضرین را به همبستگی با آن دعوت نمود. غرقه حزب توده، ایران، با پوستره های بزرگ رفیق کیانوری، که در آن خواست آزادی وی به زبانهای مختلف نوشته شده بود و نیز با شعارهای " جبهه متحد خلق " و " زنده با انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران " پوشیده شده بود.

شرکت کنندگان در جشن با امضای کارت پستال های اعتراضی نسبت به دستگیری و شکنجه رفقای توده های و خواست اعزام هیأت ناظر با ایران و تشکیل دادگاه های بین المللی برای آنان، که به آدرس سفارت ج ۱۰۱۰ در فرانسه ارسال گردیده است، همبستگی خود را با حزب و مبارزین توده های در بند، اعلام داشتند و ژرژ مارش دبیر اول حزب کمونیست فرانسه در بازدید خود از محل جشن، به عنوان همبستگی، از غرقه ایران دیدن کرد.

اظهارات کلود شسون وزیر امور خارجه فرانسه در مورد خطری که جان رفیق نورالدین کیانوری را تهدید می کند

کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه، در پاسخ به پرسش یکی از نمایندگان کمونیست پارلمان فرانسه، پیرامون اوضاع ایران و سرنوشت رهبران حزب توده، ایران، از جمله رفیق نورالدین کیانوری، و خبر اعدام او، اظهار داشته است، که وی از سلامت نورالدین کیانوری خبر موثقی در دست ندارد، اما چیزی که مسلم است، جان وی به شدت در خطر است. وی تأکید کرد که فرانسه اقدامات لازم را در این جهت انجام خواهد داد.

کلود شسون گفت، " اعترافات " تلویزیونی کیانوری دایر بر اینکه وی و یارانش به سود شوروی جاسوسی میکردند، فاقد اعتبار است، زیرا کیانوری در این مصاحبه آشفته حال بنظر میرسید. وی گفت تا کنون در حدود شش هزار نفر از اعضای حزب توده، ایران بازداشت شده اند.

● در پی اظهارات کلود شسون، وزیر امور خارجه فرانسه، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، از طریق سخنگوی این وزارتخانه به این اظهارات، بدو آنکه به هسته مرکزی سخنان شسون در مورد خیر اعدام رفیق کیانوری پرداخته باشد، پاسخ داده است.



لازمست به آقای سخنگوی وزارت امور خارجه ایران یادآوری کرد که این تظاهر به حساسیت بسیار بی جا است، چرا که هراسانی، که در های وجدان داشته باشد از دیدن برخورد سبعمانه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران با رهبران در بند حزب توده، ایران، از خود واکنش نشان داده و آنرا محکوم می کند. چه خوب بود آقای سخنگوی وزیر خارجه به جای دروغگوئی و ردیف کردن نام " توده های " در کنار سلطنت طلبان و تروریستها... به این سؤال که در پارلمان فرانسه مطرح بوده، یعنی وضعیت سلامت رفیق کیانوری پاسخ میدادند تا ما اوزا جزو جعل کنندگان اکاذیب نخوانیم. وزارت امور خارجه به خهپی میداند که چه جنایتی پشت دیوار فراموشخانه های جمهوری اسلامی ایران عملی گشته و یا در شرف تکوین است و این " محکوم کردن ها " قادر به پوشاندن حقیقت نیست!

● رفیق کلود یابرس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در میتینگ که روز دوازدهم

ژوئن در پاریس، تحت شعار " آزادی و دمکراسی در جهان برگزار شد، ضمن تشریح اوضاع سیاسی ایران پس از دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا، حزب توده، ایران اعلام داشت که وظیفه کمونیستها و تمام مردم آزادی خواه فرانسه است که هر چه در توان دارند برای نجات جان توده های در بند انجام دهند.

هندوستان

روزنامه جانا ساکتی (قدرت مردم) روزنامه حزب کمونیست هندوستان، که به زبان تامیل در مدرسه منتشر می گردد، در شماره مورخ پنجم ژوئن (۱۵ خرداد ماه) خود، مقالهای تحت عنوان، " فدکاری بی نظیر حزب توده، ایران "، منتشر کرده، که در آن ضمن تشریح مبارزات حزب توده، ایران علیه توطئه های امپریالیسم و راستگرایان از مردم جهان دعوت کرد تا در راه آزادی همه توده های در بند بکوشند.

شخصیتها و سازمانهای مترقی آمریکا، همبستگی خود را با حزب توده ایران نشان می دهند

در چند روز گذشته، شخصیتها و سازمانهای مترقی در جنوب کالیفرنیا، همبستگی خود را بسا حزب توده، ایران و رفقای در بند، به طرز گوناگون نشان دادند، که در زیر به برخی از آنان اشاره می کنیم:

● در جلسهای که در " خانه کارگر " برگزار گردید، درباره مسائل انقلاب ایران، بحران کنونی و حمله به حزب توده، ایران، بحث و گفتگو بعمل آمد و حاضرین، با امضای اعتراضات، همبستگی خود را با حزب و رهبران و اعضای زندانی آن نشان دادند. از جمله شخصیتهای امضا کننده اعتراضنامه، رفیق کندر الکساندر، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا و مسئول شعبه ناحیه لوس آنجلس می باشد.

● در جلسهای که با حضور الکساندر مولینا لارا نمایندنده " فدراسیون سراسری سندیکا های کارگران السالوادور "، برگزار گردید، شرکت کنندگان با دادن امضا، همبستگی خود را با حزب توده، ایران، بیان کردند.

الکساندر مولینا لارا و آنتونیو روسو، صلح دوست معروف آمریکائی که به " جرم افشا عملیات خرابکارانه سیا " و ارتش آمریکا در ویتنام، بزند ان افتاده بود، شخصا همبستگی خود را بسا مبارزین در بند توده های و آمادگی خود را جهت بقیه در صفحه ۱۱

رفیق آوانسیان، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه شهید شد

بقیه از صفحه ۱

شکنجه گران، که با قانون شکنی بی محابای خود، از انتشار اسامی دستگیر شدگان نیز خودداری می کنند، آنچنان خود را در فضای "آزاد" که فضای خفقان و سکوت قبرستانی برای خلق است، می یابند، که وحشتی هم ندارند، که قربانیان به "نمایش" گذاشته خود را نیز زیر شکنجه به قتل برسانند و نعش آنها را به تبعیت از رژیم شاه در دریاچه "نک" قم مدفون سازند.

ما چندی پیش هم نوشتیم که شکنجه گران خواهند کوشید قربانیان خود را برای همیشه خاموش سازند تا اسرار جنایات خویش را به گور بسپارند. شایعاتی که اینک در تهران وجود دارد مؤید این نظر است. همانطور که از گفته های اخیر موسوی شیرازی دادستان کل انقلاب نیز احساس می شد، گردانندگان این سنگین ترین جنایات در تاریخ معاصر ایران تنها در این فکرند که چگونه با صحنه سازی "حاکمه" غیر علنی اسامی قربانیان خود را چند ماه پس از انجام قتل یا ترستی علنی کنند.

نه به اعضای خانواده ها اجازه می دهند که کوچکترین تماسی با عزیزان زندانی خود داشته باشند و نه بر خلاف عرف بین المللی، وکیل می تواند دفاع از یک متهم را بعهده بگیرد و حتی ملاقات با او را داشته باشد. به این ترتیب

آنچه که در این سیاهچالها میگذرد مجهول مطلق است. شاید پس از گذشت زمان، وقتی که یکی از این شکنجه گران دچار عذاب وجدان گردد، و نزد آشنایان و نزدیکان خود درد دل کند، گوشه ای از این وحشیگریها فاش شود ولی به ایمن امید نمیتوان و نباید در انتظار نشست.

سازمانهای بین المللی و روزنامه نگاران که طی دوران پس از انقلاب به ایران مسافرت کردند ماند و بر اثر مصاحبه های مطبوعاتی و اختصاصی برخی از رفقای ما را شخصا می شناسند می توانند در این جهت کمک ارزنده ای بکنند. بایسد از این سازمانها و روزنامه نگاران خواهش کرد نمایندگان به ایران بفرستند و یا خود به ایران سفر کنند و خواهان تماس مستقیم و گفتگو با رفقای فوق الذکر گردند. وگرنه برای شکنجه گران سهل و آسان است که در یک صحنه سازی محاکمه غیرعلنی و یا حتی دروغین قضیه را بنا صد و حکم اعدام فوری، خاتمه یافته اعلام کنند.

نباید اجازه داد اسرار این جنایت هولناک ضد انسانی پنهان بماند. باید ماسک ریا و تزویر را از چهره کسانی که از صبح تا شب مردم را به عمل "صالح" دعوت میکنند و خود مرتکب فجیع ترین جنایات شده اند و میشوند برداشت.

رقص جاوید

کیستی؟
ناشناسی زاده مردم
کیستی؟
پهر آتش، یار پلکان، دشمن ناپاکان
نام تو؟
شعله
جای تو؟
قلبش
قلب کس؟
قلب رزمنده خلق
خفه شو توده های بی آرم
خفه شاید کنی جسم را، ای نامرد
صبح فردا اما، چو برآید خورشید
در غریب رزم خلق
می شود فریاد من، فریاد ما
صد هزاران بار افزون تر رسا
میدود کومه به کومه، کو به کو
از ارس تا کارون
از خزر تا خارک
این صدا مرگ ندارد هرگز

کنفرانس مطبوعاتی "کمیته همبستگی با ایران" جنایات حاکمیت راستگرا را افشانمود

روز پنجشنبه، هفتم ژوئیه (شانزدهم تیرماه)، بابتکار "کمیته همبستگی با ایران"، کنفرانسی در محل خانه مطبوعات در بین بزرگوار شد. در این کنفرانس، نماینده کمیته مرکزی حزب توده، ایران، پرفسور دکتر هانسن مائوس باغ (پزشک)، کورت ارباخ رئیس سازمان ضد فاشیستی آلمان فدرال، دکتر هانسن مرتنس نماینده سازمان حقوقدانان دمکرات آلمان فدرال، میثاقیل اپرسکالسکی، خبرنگار و متخصص در امر فعالیتهای جاسوسی "سیا" و دکتر مصطفی دانش مؤسس "کمیته همبستگی با ایران"، شرکت داشتند.

در این کنفرانس، پیش از ۵۰ خبرنگار از کشورهای مختلف از جمله: آلمان فدرال، (آوانس خبری آلمان DPA و سایر مطبوعات این کشور)

انگلستان، کویت، اتحاد شوروی، ترکیه، کشورهای آفریقایی، روزنامه العرب و بسیاری دیگر از مطبوعات و خبرنگارها حضور داشتند.

در ابتدا مؤسس کمیته همبستگی، دکتر مصطفی دانش، ضمن خوش آمدگویی به حضار، به اختصار درباره اوضاع ایران، زندانها و شکنجه گاهها، اطلاعاتی در اختیار آنان قرار داد.

سپس رفیق محمد باقری نماینده کمیته مرکزی حزب توده، ایران طی سخنانی، تحلیلی مبسوطی از اوضاع ایران ارائه داد و اطلاعاتی در زمینه دستگیری اعضای رهبری حزب توده ایران در اختیار خبرنگاران قرار داد. سپس میثاقیل اپرسکالسکی از جنایات سیا در آمریکای لاتین، ویتنام و استفاده از مواد شیمیایی و دارویی برای گرفتن "اقاریر" پرده برداشت و به مقایسه آن

با شیوه های بکار گرفته شده در مورد رهبران حزب توده، ایران پرداخت. پرفسور مائوس باغ، کورت ارباخ و دکتر هانسن، مرتنس بترتیب سخنرانان بعدی بودند که بیاناتی در مورد اوضاع ایران، شکنجه رهبران حزب توده ایران و بخصوص وظایف نیروهای دمکرات در آلمان فدرال و اعزام هیئت های ناظر بی طرف بین المللی برای بررسی اوضاع زندانهای ایران و زندانیان توده ای ایراد کردند.

در خاتمه فیلم تلویزیونی "اقاریر" رهبران حزب توده، ایران، به نمایش گذارده شد، که حضار را سخت تحت تأثیر قرار داد. جلسه پس از بحث در این زمینه، باین نتیجه رسید که "اقاریر" مذکور، می تواند صرفاً تحت شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی و مصرف داروهای تخریبی صورت گرفته باشد.

در پایان، از خبرنگاران و حضار دعوت بعمل آمد که در تظاهراتی که از طرف "کمیته همبستگی با ایران"، در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در بین برپا شده بود، شرکت کرده و اخبار آنرا در مطبوعات منعکس کنند.

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

مفهوم انترناسیونالیسم پرولتری، میهن دوستی واقعی است

رویداد های اخیر کشور ما، ادامه دستگیری، زجر و شکنجه اعضای حزب توده ایران، سرکوب آزادیخواهان دموکراتیک، جهت گیری در زمینه های اقتصادی و اجتماعی بسود کلان سرمایه داران و مالکین بزرگ زیر پوشش " احکام شرعی "، کوشش در راه احیای مواضع امپریالیسم در ایران، سیاست جنگ روانی علیه کمونیسم، شوروی ستیزی افسارگسیخته، همه و همه از موضع طبقاتی نشأت می گیرد.

برای نخستین بار نیست، که حزب توده ایران با اتهامات سخیف رویو می شود. ریح قرن، شاه معدوم به حزب توده ایران اتهام جاسوسی زد، میهن پرستی حزب ما را نفی و خصلت انترناسیونالیستی آنرا تحریف نمود و بالاخره حزب ما را " منحل " اعلام کرد. ولی نتیجه چه بود؟ حزب توده ایران با وجود ضربات سختی که نه یکبار بسر پیکرش وارد آمد، آتی صحنه مبارزه در راه منافع زحمتکشان را ترک نکرد. نه ترور و شکنجه و نه اعدام های جمعی نتوانست کوچکترین خدش های در اراده حزب طبقه کارگر ایران در مبارزه سرسخت و پیگیرش علیه رژیم ضد ملی دست نشاندۀ امپریالیسم در گسترش نفوذ روزافزون جهان بینی آن بیسن توده ها، بپوشد و جوانان و نیز در خصلت عمیقاً انترناسیونالیستی آن بوجود آورد.

کشتن توده های زحمتکش و جوانان مبارز ما را به ایده های سوسیالیستی، بانصبوب یک ماد واحد و توسل به ترور و یا به راه انداختن معرکه فاشیستی " سوزاندن کتاب " نمیتوان خاموش کرد. علل روی آوری جوانان به جهان بینی حزب توده ایران را باید در اعماق نظام اقتصادی اجتماعی بی کای کرد. علیرغم سقمطه هیئت حاکمه، علت اساسی در ماند و تاهی ایران در دوران فرمانروائی شاه، نظام منحط سرمایه داری بود، نظامی که باپورش سبعمانه به حزب توده ایران راهش هموار میشد.

لذا از هم اکنون باطمینان میتوان گفت، که پورش " ایدئولوژیک "، علیه حزب ما سراجسام ناموفق خواهد داشت. زیرا سرمایه داری حتی در لفاظه " اسلامی " دارای چنان پشتوانه معنوی و جاذبه مادی نیست، که بتواند مورد پسند توده های زحمتکش قرار گیرد. این نظام به میسزان بیسابقه ای در انتظار توده های میلیونی کشور رسوا شده و مبارزان راه آزادی و استقلال ایران در جریان انقلاب با شعارهای کوبنده خود حکم محکومیت آنرا امضا کرده اند. یگانه ایدئولوژی موثر در پیشروی تاریخ، ایدئولوژی سوسیالیستی است. زحمتکشان ایران هرچه بیشتر به صحت و حقایق این نظر حزب ما پی می برند.

فرمانده کل سپاه پاسداران در مصاحبۀ ۲۰ اردیبهشت ماه خود اظهار داشت، حزب توده ایران در صدد بود، " جمهوری اسلامی را به سمت اردوگاه شرق و خط شرقی سوق دهد " اظهارات وی تازگی ندارد. اینگونه برخورد به مواضع اصولی یک حزب سیاسی هدفی جز عوام-

فریبی نمیتواند داشته باشد. آنچه مورد ایراد این آقایان است، خصلت انترناسیونالیستی حزب ما و مواضع آن در عرصه بین المللی است. وقتی ما می گوئیم، نفی رابطه انقلاب با روند واحد انقلاب جهانی و جد کردن ایران از جبهه ضد امپریالیستی، که در آن اتحاد شوروی و مجموعه سیستم سوسیالیستی نقش تعیین کننده دارند، انقلاب را به بیراهه سوق داده و کشور را بدامن امپریالیسم آمریکا می اندازد، متهم به وابسته ساختن ایران به اتحاد شوروی میشویم. موضع اصولی ما پیرامون ضرورت همبستگی با کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای ضد امپریالیستی در جهان، اصلی است که بارها از محک آزمایش تاریخ گذشته و اصالت و صلاحیت آن به ثبوت رسیده است. این موضع از خصلت انترناسیونالیستی حزب ما، که سه عالیتترین، میهن پرستانه ترین و مترقیترین خصلت کمونیست است، الهام می گیرد. حزب ما همبستگی با کشورهای سوسیالیستی و نیز با نهضت کمونیستی و کارگری و نهضت های رهایی بخش ملی را ضامن ارزنده کسب استقلال واقعی - نه صوری - میدانند. برخلاف دعوی مصرانۀ آنها که پیروزی انقلاب ایران را خارج از تاثیر عوامل خارجی معرفی می کنند، ما معتقدیم تغییر توازن نیروها در عرصه جهانی به سود صلح، ترقی اجتماعی و سوسیالیسم تاثیر قاطعی در مبارزه همه خلق ها علیه استعمار، نواستعمار و امپریالیسم داشته و دارد. بدیهی است، که هر انقلابی در وهله نخست به نیروی لایزال توده ها در داخل هر کشور متکی میباشد، ولی این امر بهیچ وجه به معنای کسم بها دادن به عوامل بین المللی نمی تواند باشد. فقط مخرضین و ساده لوحان می توانند این اصل انکارناپذیر تاریخی را درک نکنند. تاریخچه مبارزه نیقرن پیش بسیاری از خلق های مستعمره و نیمه مستعمره در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین شاهد گویای صحت این نظر است.

اکثر خلق های اسیر در کشورهای نامبرده بارها علیه استعمارگران و امپریالیسم برخاستند و شهیدان بی شماری نیز در راه دستیابی به آزادی و استقلال دادند، ولی کمتر جنبشی توانست به پیروزی نهایی برسد.

دورانی که ما در آن زندگی می کنیم، با جهان نیمقرن پیش فرق فاحشی دارد. امروز دیگسر استعمار و امپریالیسم در جهان حکمروای مطلق نیست. در جهان امروز جامعه کشورهای سوسیالیستی وجود دارد، که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی به قدرت عظیمی تبدیل شده است. این روند توازن جدید نیروها را در عرصه بین المللی موجب گردیده است. تغییر توازن نیروها نقش مهمی در نبرد خلق ها در راه رهایی از سیطره استعمار و نواستعمار داشته و دارد. برای پذیرش این اصل مسلم نیازی به قبول جهان بینی حزب توده ایران نیست. پیوندگان حقیقت میتوانند با سیری در تاریخ نه چندان دور به صحت آن

پی ببرند.

برای لحظهای تصور کنید، که اگر امپریالیسم هم چنان بر جهان حکمروائی میکرد و کشورهای سوسیالیستی با قدرت عظیم سیاسی، اقتصادی و نظامی سدی در مقابل امیال ضد بشری استعمارگران بوجود نمی آوردند، آیا دهنها کشور رهسا شده از بند اسارت می توانستند به آزادی نائل آیند؟ آیا کوبا در بیخ گوش آمریکا می توانست ایستادگی کند؟ آیا ویتنام می توانست امپریالیسم یانکی را با شکست مقتضایان رویو سازد؟ آیا موزامبیک، آنگولا، اتیوپی، جمهوری دموکراتیک یمن، افغانستان، نیکاراگوا می توانستند استقلال خود را بازیابند؟ آیا سوریه می توانست در برابر صهیونیست ها مقاومت کند؟ آیا امپریالیسم آمریکا، که فرمانروای مطلق در ایران بود، لحظهای در سرکوب خونین انقلابیون ایران مردد نبود؟ امپریالیسم آمریکا بی ذغدغه خاطر، نیروهای نظامی خود را در ایران پیاده میکرد و با قتل عام صدها هزار انسان سیادت خود را حفظ مینمود. در بحبوحه اوج نهضت رهایی بخش مردم میهن ما، هنگامی که سرنگونی رژیم مسئله روز نبود، مضبوطات امپریالیستی تبلیغات گسترده ای را پیرامون باصطلاح بی آمد های " محرب " رویداد های ایران در تاهین نفت جهان غرب، در " امنیت خاور نزدیک " و نیز در زمینه ضرورت دفاع از " منافع جهان آزاد " به راه انداختند. هدف از این تبلیغات آساده سازی افکار عمومی برای دخالت نظامی در امور داخلی ایران بود.

حتما آقایانی که برای جلب عطف و " شیطان بزرگ " کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی را به سطح سیاست دولتی ارتقا داده اند، فراموش نکرده اند در همان روزها که امپریالیسم آمریکا نقشه دخالت در امور داخلی ایران را به قصد حمایت از رژیم شاه تهیه میدید، اتحاد شوروی با قاطعیت و صراحت هر چه تا متمر امپریالیسم یانکی را از هر گونه مداخله به هر شکل و شیوه، در امور داخلی ایران بر حذر داشت. لغویند برزنف در جواب مخبر روزنامه پراودا (۲۸ آبان ماه ۱۳۵۷) اعلام نمود که: " حل امور ایران کار خود مردم ایران است ".

بدون همبستگی با نیروهای ضد امپریالیستی جهان، پیروزی بر امپریالیسم آهن سرد کوییدن است. تاریخ، آنها را که در نبرد فراگیر میان جبهه صلح و ترقی اجتماعی و سوسیالیسم از یک سو و امپریالیسم و نواستعمار از سوی دیگر " بی طرف " بوده و یا " راسومی " در پیش گرفته اند، با ناکافی رویو ساخته است.

توازن نیروهای اجتماعی در هر مرحله ای از مراحل انقلاب، که در اثر عوامل عدیده داخلی و خارجی شکل میگردد، سرنوشت پیروزی و یا شکست انقلاب را رقم مینزد. استراتژی و تاکتیک انقلاب باید بر پایه شناخت دوستان و دشمنان خلق های

۶۳ سال پیش حزب کمونیست ایران تشکیل شد



حیدر عمو اوغلی، رهبر برجسته حزب کمونیست ایران

نحو یا بدان نحو، تحت تأثیر عمیق شیوه تفکر، تحلیل و حتی اصطلاحات حزب کمونیست ایران قرار گرفت.

در عرصه مبارزات اجتماعی نیز حزب کمونیست ایران نقش مهمی داشت - کمونیستهای ایرانی در زندانهای رضا خان ایستادگسی قهرمانانه کردند - افرادی از آنها در زندانهای مخوف رضاخانی از جمله حجازی، تنها و اراسی به شهادت رسیدند.

کمونیستهای آزاد شده از قید زندانهای رضا خان، در ایجاد حزب توده ایران سهم اساسی داشتند. لذا حزب توده ایران خود را وارث سنن حزب کمونیست ایران میدانند کارگران و زحمتکشان یدی و فکری انقلاب ایران حق دارند بخود ببالند که یکی از اولین سازمان های انقلابی مارکسیست-لنینیست جهان در کشور آنها تشکیل شد.

تاریخ حزب کمونیست ایران از ناکامیها، دشواریها و گاه لغزشها تهی نبوده است. ولی آنچه که برای نقش تاریخی این حزب در شرایط نامساعد اجتماعی شاخص است عبارت است از تکان نیرومند سازمانی و فکری که جامعه مادر سمت ترقی، در سمت عدالت اجتماعی ایجاد کرده ارتجاع سعی دارد یا زدن برجسب های ضد میهنی و ضد دینی از اعتبار و اصالت و صداقت آن بکاهد.

الحق فرومایگی بزرگی است که فدائیان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و جانبازان راه خلق و کسانی که همه زندگی خود و خانواده خود را با ایثاری بیدریغ در راه مردم و سعادت آنان نهاد مانده، یا چنین پیهتانهای زشتی رویرو گردند - کمونیستهای فداکار و پیگیر کشتور ما، از تلاش جان گذاز خود چه چیزی جز زندان، شکنجه، ریدری و اعدام بدست آوردند؟ آیا در تاریخ کشور ما شخصیهایی با چنین روشنائی فکر، صفای اخلاق و درستی عمل زیاد دیدید میبشوند؟

اینک که تمام نیروهای مترقی هوادار گسترش

شصت و سه سال پیش، آخر خرداد - اوائل تیرماه ۱۳۹۹، در کنگره حزب سوسیال دمکرات کارگران ایران - "عدالت" که در شهر اتلی برگزار گردیده، تأسیس حزب کمونیست ایران رسماً اعلام شد.

حزب کمونیست ایران در شرایط جهانی و کشوری بسیار حساس، مهم و ویژه ای تشکیل شد: از یک سو، عقب ماندگی فوق العاده روابسط اجتماعی - اقتصادی فئودالی و تشدید ناپسانمانی اوضاع کشور و از سوی دیگر، پیروزی انقلاب کیسر سوسیالیستی اکتبر و تأسیس اولین دولت سوسیالیستی جهان در همسایگی بلافضل ایران: این گردان سیاسی نوین، که از جهت مجهز بودن به یک جهان بینی علمی و انقلابی، از جهت همبستگی بین المللی، از جهت پیگیری انقلابی و میهن دوستی و در نبرد از پایگاه کارگران، سازمانی دارای کیفیت نوین بود، توانست در عرصه سیاست و مبارزه نقش معتبر را ایفا کند.

حیدر عمو اوغلی (افشار) که خود از رهبران میرز انقلاب مشروطیت و از بنیان گذاران جنبش سوسیال دمکراسی ایران بشمار میرفت در رأس این حزب قرار داشت.

حزب کمونیست ایران، که با یک جهان بینی علمی و مترقی، در شرایط جامعه قرون وسطایی، وارد عرصه مبارزه شده بود، راه دشواری را در تکامل خود طی کرد.

کمونیستهای ایرانی در طرح مسائل عمده جامعه: مسئله ارضی، مسئله ملی، مسئله استقلال سیاسی و اقتصادی در قبال استعمار، مسئله دمکراسی سیاسی و اقتصادی، مسئله مبارزه برای ترقی صنعتی، کشاورزی و فرهنگی، بر همه گسروه های سیاسی مقدمند - آنها برای اولین بار شیوه تفکر علمی سیاسی، شیوه تحلیل علمی مسائل اجتماعی را در ایران متداول ساختند. و از آن پس، تمام حیات سیاسی جامعه ما، خواه آنچه که مربوط به طبقه حاکمه است و خواه آنچه که متعلق به مخالفت با طبقات حاکمه است، بدین

و تعمیق انقلاب شکوهمند مردم ایران و در رأس آنان حزب توده ایران وارث به حق حزب کمونیست ایران و ادامه دهند، راه پرافتخار آن، مورد شدید ترین پیگرد ها قرار گرفته اند، رهبران آن به بند کشیده شده و تحت شدید ترین شکنجهها قرار داشته و یا جان باختند، جلا دارد در این ایام نگاهی به راه طی شده در این شصت و سه سال افکنده شود راهی که بر آن خون شهیدان کمونیست نقش بسته است، جا دارد که به خاطر، تابناک تمام مبارزان فسادار این راه درود بفرستیم و راه آنان را برای کسب استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پیگیرانه و پیا عزمی راسخ ادامه دهیم!

در رابطه با شصت و سومین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران از سازمانهای هیوادار حزب توده ایران در کشورهای مختلف پیامهای شاد با شخطاب به کمیته بیرون مرزی حزب توده ایران ارسال شده است.

"راه توده" به علت کمیود جا قسمتی از پیام هواداران حزب توده ایران در ایتالیا را در این شماره منتشر میسازد.

در این پیام از جمله میخوانیم:

"ما توده های ها در این لحظات سرنوشت ساز حلقه خود را به دور کمیته مرکزی حزب قهرمان توده های مان محکمتر کرده و با درود آتشین به رفقای دریند با تمام نیرو در تحقق آخرین پیام رفیق کیانوری، که گفته بود: اگر برای ما اتفاقی افتاد - هر اتفاقی افتاد - شما به وظیفه انقلابی خودتان عمل کنید!" - خواهی هم کوشید."

بحران سیستم توزیع بحران انقلاب است

نقشه از صفحه ۱۰

بدتر از حال حاضر خواهد شد (روزنامه اطلاعات، ۳۰ و ۳۱ خرداد مشروح گزارش ۲ ساعته وزیر بازرگانی - مجلس شورای اسلامی).

به این ترتیب، یکبار دیگر نظرسرات روشن حزب توده ایران، بحزب طبقه کارگر ایران اشیات می شود، که نبرد طبقاتی در جامعه را با معظه و نصیحت نمی توان از بین برد - محض گرانی و احتکار را فقط با اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یعنی اجرای بازرگانی خارجی دولتی، توزیع کسلان داخلی دولتی و کنترل توزیع جز داخلی توسط دولت، می توان حل کرد، همانطور که در برنامه حزب توده ایران، بحزب طبقه کارگر ایران نیز تصریح شده است.

وزارتخانه و معیر سیاست بازرگانی دولت است لیکن تسلیم طلبی ماشاگران دیروزی کار را به جایی رسانده است که راستگرایان حاکم چنان قدرتی را در خود حس می کنند که از زبان آقای عسگر اولادی، در "نطق" ۲ ساعتش در مجلس بمنظور دفاع از سیاست سرمایه داری بزرگ حاکم بر وزارت بازرگانی، خواستار کسب مواضع مهمتری در درون کابینه می شود. در همین "نطق" وی ادعا می کند که گویا علت ناسا - پسانمانی های کنونی عدم اختیار تام و تمام ایشان در کلیه امور بازرگانی کشور است و زحمتکشان را تهدید می کند کسبه آگسور او را، سیاست های او و همقطاران تش را تأیید نکنند، "بیج تریق"، یعنی واردات کالا از کشورهای امپریالیستی بسته می شود و شرایط زندگی بمراتب

در جستجوی کدام "قهرمان" اند؟

بقیه از صفحه ۱

عقب نشینی بود، و سرنوشته امروزی اصلاحات ارضی و بلا تکلیفی قانون مصوب مجلس شورای اسلامی، نمونه آموزندمای از این روند شرم آور عقب نشینی زیر فشار شانتاژ است.

بدیهی است، که توافق بر سر مسائل غیر اصولی و غیر عمد مقطوعتی جایز است، که ترکیب نیروها و تناسب قوا امکان دسترسی به خواسته مشخص و مطرح شده را در شرایط تاریخی مشخص ندهد. ما چنین توافقهایی تاکتیکی را مردود نمی دانیم.

اما روشن است، که عقب نشینی های مماشائگران در تمام مسائل اقتصادی - اجتماعی و مسائلی که با سلامت و تداوم انقلاب در ارتباط بود، از جمله مسئله دوستان و متحدان طبیعی انقلاب، همگی فقط زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و راستگرایان از یک سو و از عدم شناخت روشن از روند انقلاب و نیروهای واقعا انقلابی توسط مماشائگران از سوی دیگر انجام شد.

ماشائگران دیروزی زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم، راستگرایان که زیر پرچم کمونیسم ستیزی انجام شد، از اجرای اصلاحات قاطع اقتصادی - اجتماعی به نفع زحمتکشان طفره رفتند، و به اعتراف آقای موسوی، نخست وزیر " هر کاری که خواستیم به نفع مردم انجام دهیم، گفتند کار کمونیستی است."

ماشائگران دیروزی، زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم و راستگرایان مرز بین انقلابی و غیر انقلابی را، مرز بین دارندگان اعتقادات مذهبی و دگراندیشان اعلام کردند و از این طریق در و پنجره را برای نفوذ ساواکی های پر ریش و پشم و تسبیح به دست باز کردند.

ماشائگران دیروزی زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم و راستگرایان، که می گفتند که گویا اگسر سازمانهای کارگری بوجود آید، تودهای از آنها به نفع خود استفاده خواهند کرد، از سازماندهی زحمتکشان، کارگران صنعتی و دهقانان بی زمین و کم زمین خودداری کردند و از این طریق به تشکیل و تقویت ستون فقراتی که " ستون فقرات انقلابی" نامیدند ضربه زدند و مانع تکوین موقع آن شدند. مماشائگران دیروزی زیر فشار شانتاژ ضد انقلاب، امپریالیسم و راستگرایان یورش به حزب تسوده ایران، حزب طبقه کارگر را ممکن ساختند و به آن تن دادند و از این طریق انقلاب را به آن روندی کشاندند، که در هیچ زمانی و در هیچ کشوری (مانند سودان - اندونزی - عراق - مصر و ۰۰۰) و از جمله در میهن خود ما (آغازشده خفقان با تصویب قانون بنیاد ۱۳۶۰، کودتای ۲۸ مرداد) جز کشاندن انقلاب به مرادب مرگ راهی دیگر باقی نمی گذاشت.

در طول تمام این دوران " دلیلی" را کسه مماشائگران دیروزی و تسلیم طلبان امروزی برای توجیه عقب نشینی غیر اصولی خود عنوان کردند،

همین " آماده نبودن" بود. آنها، که همیشه سنگ " مستضعفین" را پسینه میزنند و زد هاند، حتی يك بار این آماده نبودن شرایط و باصطلاح " به نفع مستضعفین تمام نمی شود" را با خود مستضعفین مطرح نکردند، یا آنها تبادل نظر نکردند و کمک آنها را برای یافتن راه حل نخواستند.

آنها زحمتکشان را فقط وقتی به کمک طلبیدند، که خود در باره مسائل تصمیم نهائی را گرفته بودند این روند جدائی فکری از زحمتکشان و تصمیم گیری پشت درهای بسته و بدون شرکت نمایندگان واقعی زحمتکشان وقتی فاجعه آمیز شد، که تداوم عقب نشینی ها و انباشت قدمهای واپس گرایانه وضع کیفی جدیدی را ایجاد کرد.

تجربه عملی نشان داد، که این عقب نشینی ها، همانطور که حزب مابارها هشدار داده بود، نمی توانست به تحکیم مواضع راستگرایان و ضد انقلابیون که هر روز بیشتر خود را زیر دامن آنها پنهان می کردند، نیا نجامد. تحکیم مواضع راستگرایان خود به " آماده نبودن" (بیشتر) شرایط کمک کرد و بیشتر و آسانتر مورد سوءاستفاده راستگرایان قرار گرفت، تا اینان باز هم آسانتر به گسترده تر کردن تحکیم مواضع خود بپردازند. بدینسان فقط " شرایط آماده" برای انجام اقدامات به نفع زحمتکشان نشده، از جمله اجرای بنسج " ج" قانون اصلاحات ارضی پدید نیامد، بلکه اکنون حلقه راستگرایان و ضدانقلاب بدور گردن انقلاب هر روز تنگ تر و مہلک تر می شود و از جمله بجای اصلاحات ارضی انقلابی، حتی برآید و براندازی بزرگ زمین داری به عنوان اقدامی خلاف " شرح" خط بطلان کشید ماند.

بنابر این می توان گفت، که انباشت کمیست عقب نشینی های مماشائگران دیروزی، وضع کیفی جدیدی را ایجاد کرده است، که در آن مواضع راستگرایان و ضدانقلاب داخلی و خارجی تحکیم شد و مماشائگران را به تسلیم واداشت.

راستگرایان، که ظاهرا در تغییر کیفی در حاکمیت در روند " نبرد که برکه" پیروزند از آب در آمد هاند و مواضع خود را چه در زمینه اقتصاد دی (به ویژه در گستره سرمایه تجاری) و چه در بخش های مختلف حاکمیت تحکیم کرده اند، اکنون می کوشند با ایجاد تغییرات گسترده تر در حاکمیت آنها بطور کامل در جنگ خود گیرند.

آنها، که خود احتکار و گرانفروشی را سازمان دادند و بر انقلاب تحمیل کردند، اکنون از " غولی گرانفروشی" می نالند! آنها، که خود بی قانونی و قانون شکنی را سازمان دادند و به انقلاب تحمیل کردند، اکنون از " بی قانونی" فریادشان بلند شده است. (۱) آنها که خود را " مرید" و " امت" ولی عصر می نامیدند، و همانند آقای فخرالدین حسن حجازی سه سال پیش در روز افتتاح مجلسس آنچنان بهمدیحه سرائی و فریاد و " اما ما می - برداختند، که گوشمالی مدیده سرائی آنها در

همان جلسه لازم آمد. اکنون در همان مجلس شورای اسلامی صدایشان در جستجوی " قهرمان" دیگر برخاسته است، تا گویا " غول گرانی" را به پسند کشد!

آقای عسگر اولادی، که خاموشی های شیشه خوار و پوراستاد های آهن خوار و دهنها و دهنها عنصر دیگر راز زیر پرو بال خود پرورش داده است و اعضا دادگاه امور صنعتی را دستگیر و دادگاه را عملا منحل کرده است، دست محتکران و تروریست های اقتصادی را در غارت بیت المال باز گذاشته و اصل ۴۴ قانون اساسی را مورد علامت سوال قرار داده است، اکنون از مجلس می طلبد تا به او قدرت اجرایی بیشتر بدهند، تا " تجارت خارجی دولتی" را عملی سازد!

آری، راستگرایان و ضدانقلاب در جلد آنها اکنون زمان را فرا رسیده می بینند، تا از تغییر تناسب قوا بسود خود و تحکیم مواضع خود در حاکمیت و برای تصاحب حاکمیت وارد صحنه شوند. آنها می خواهند با به کارگیری يك " دست آهنین" يك " قهرمان" به آخرین شرط خود از سه شرطی که در چند ماه پیش برای " کمک به جبهه جنگ" اعلام کرده بودند نیز دست یابند. سه شرط آن روز آنها سرکوب حزب تسوده ایران، قطع خطبه های نماز در باره عدالت اجتماعی توسط رئیس مجلس و آیت الله مشکینی و سرکار آوردن به اصطلاح " دست آهنین" و " قهرمانی" بود، که همانطور که عسگر اولادی در مجلس اعلام کرد، قدرت کافی برای انجام برنامه ها داشته باشد.

قیمت و شرط اول، که مورد تأکید مماشائگران قرار گرفت ۱۳ میلیارد تومان بود، که برداختند. اکنون که راستگرایان بازم مواضع خود را تحکیم یافته تر می بینند، چه قیمتی برای سرکار آوردن يك " دست آهنین" خواهند پرداخت؟ آیا اصلا قیمتی خواهند پرداخت؟ و یا آنچه که برداختند را نیز باز پس خواهند گرفت؟

حلقه به دور گردن انقلاب اکنون با ندا برای جستجوی يك " قهرمان" تنگ تر می شود. این شیوه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا آنقدر شناخته شده و " جا افتاده" است، که فقط کوردلان و بازی خورده ها آنرا نمی بینند.

امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی با خرابکاری با گرانفروشی و احتکار، با قانون شکنی، با شعار های تند و شیوه های قشری، با ایجاد خفقان و پراخاندختن گشت های نرال الهی جان مردم را

بقیه در صفحه ۱۶
(۱) مردم دیگر نمی توانند با برجا بودن يك عده فاسد و غارتگر را ببینند. قانون اراضی، ملی شدن تجارت خارجی، قوانین انقلابی دیگر باید اجرا شود.
(کنی، نماز جمعه ۳ تیر)

استبداد نمی ماند، این رسم تاریخ است!

بزودی، ۱۱ سپتامبر، برای دهمین بار روزی فرا خواهد رسید، که پینوشه، زرنال ارتش شیلی به کمک سازمان سیا آمریکا، با پول انحصارهای بزرگ آمریکایی، از جمله آی تی تی و بوسیله ارتش این کشور، حکومت قانونی و منتخب مردم، دولت سالواد را آلوده را برانداخت و حکومت بیاد را بر سرزمین فراسوی کوههای آند برقرار کرد.

زرنال آگوستو پینوشه و همکارانش تمام امید و

اقتصادی نتیجه منطقی دیگری جز رشد جنبش اعتراضی نمی توانست داشته باشد.

اگر چه آگوستو پینوشه کوشش کرد با برگزاری همه پرسی پیرامون قانون اساسی "فرمایشی رژیم خود را مقبول عامه و نافذ سازد، اما هم او و هم حامیانش میدانستند، که زیر خاکستر آتشی در حال شعله گرفتن است.

مردم نه فریب "همه پرسی" را خوردند و نه مرعوب تانکها و سرنیزه های گارد پینوشه شدند.

همیشه سد کرد. شیلی در حال آموختن اینسن تجربه به تمام کسانی است که میخواهند با "حکم" از هر نوعش، جلوی پیشرفت جامعه را بگیرند.

امروز تمام دنیا شاهد تظاهرات عظیم، اعتراضات گسترده و اعتصابهای کارگری و عمومی علیه رژیم پینوشه است. هر روز که میگذرد تشنجات اجتماعی اوج تازه ای می یابد. مردم پس از هر روز تظاهرات و یا اعتصاب عزم خود را در برانداختن رژیم آمریکایی پینوشه و برقراری آزادی و حکومت مردمی جزم تر می کنند. وقایع ماه اخیر

آرزوهای خلق شیلی را نقش بر آب ساختند. امید هایی که به دولت منتخب مردم، دولت اتحاد خلق گره خورده بود. آرزوی بهبود وضع وقت با زندگی، رفع کمبود و گرانی، برخورداری از چهار دیوار سقفی بر روی سر، پایان دادن به چپساول معادن غنی مس توسط بیگانگان یانکی و تعیین آزادانه سرنوشت خویش. ۳ سال حکومت دکتر سالواد را آلوده، به اندازه کافی طولانی نبود تا مردم آمال خود را تحقق یافته ببینند. اما به اندازه کافی طولانی بود تا طعم آزادی را بچشند. چپا و لگران خلق که خود سبب همه آلام خلق بودند، "مارشهای گرسنگی" پراه میاند آختند و کارکنان بخشهای مختلف اقتصاد کشور را به اعتصاب می کشاندند تا "بهبود وضع" را طلب کنند. کودتا کردند تا خود را فرشته نجات و منجسی میهن جا زده و "دست آهنین" باشند، که باید با غول گرانی و وضع وخیم اقتصادی به مقابله برخیزد و آنرا بشکند و بکشد. اما آیا با سرکوب جنبش خلق ممکن است درد خلق را التیام بخشید؟ آیا کسی که دست به سرکوب خلق می زند مستعد انجام است؟

درد مردم شیلی داشتن تلویزیون و گذاشتن



در شیلی، دوروز "اعتراض ملی"، اعتصاب عمومی در کشور، نشان داد که مرحله جدیدی از مبارزه برای آزادی و دموکراسی آغاز شده است و مردم خواست های سیاسی خود را به وضوح مطرح می سازند و علیرغم آنکه میدانند، پاسخی جز تفرق در یافتن نخواهند داشت وسیعاً در این تظاهرات و اعتصابها شرکت می ورزند و خود را برای مبارزه نهایی آماده می سازند. مبارزه انقلابی در شیلی نشان میدهد، که هیچ مرز صحتی میان مردم جدایی نینداخته و همه در هدف، سرتنگونی استبداد مشترکند. شرکت اقشار وسیع مردم، حتی اقشاری از بورژوازی که خود به کودتای پینوشه لبیک گفته بودند، نشان میدهد که "فرشته نجات" تا چه حد در میان خلق منزوی است. حتی مخالف حلقه در شیلی و واشنگتن، بدون آنکه کلمه ای بر زبان آورند بدین فکرند که آیا پینوشه خواهد توانست دهمین سالگرد کودتایش را جشن بگیرد یا خیر، و یا اینکه بهتر نیست بخاطر حفظ نظام قبل از اینکه اوضاع از کنترل خارج شود، تغییری صورت گیرد؟ چنانکه رفیق لوتیس کورولان، دبیر کل حزب

آن در بیغوله، حلبی آبادی نبود. درد مردم شیلی پر شدن شهرها از چراغهای نئون شرکت های آمریکایی نبود.

آگوستو پینوشه، و زرنالهای همکارانش تنها نتوانستند مردم را با خود همراه کنند، بلکه سیاست شیلی برپا داده اقتصاد که بر تئوریهای اقتصاد دانان آمریکایی خادم سرمایه داری از نوع فیدمان و شاگردانش "شیکاگوویز" استوار بود، به سیر افزایش تورم، بحران اقتصادی، سقوط کشور به ورطه و رشکستگی سرعت بخشیده و باعث فلاکت وضع زحمتکشان و اکثریت مردم این کشور شدند. سرکوب هرگونه صدای اعتراضی و سپردن بسیاری به "فراموشخانه ها" در متن این اوضاع وخیم

به تلویزیون رنگی که تبلیغ کوکا کولا می کند، دل بستند و نه به نور شبهای سانتیاگو که با نقوشهای شرکت های آمریکایی روشن میشوند.

تمام سازمانهای مردمی، و در رأس آنان حزب کمونیست شیلی، که پینوشه قول موجو آنان را از صفحه روزگار به اربابان امپریالیستی اش داده بود، توانستند علیرغم سرکوب شدید، سازمانهای خود را تقویت کنند و فعالانه در سازماندهی خلق در راه مبارزه انقلابی شرکت ورزند. شاید ممکن باشد با دلار آمریکایی و توطئه های "سیا" و عناصر خود فروخته، چرخ تاریخ را برای مدت کوتاهی نسبتاً کند تر کرد، اما روند پیشرفت خلقها بسوی استقلال آزادی و عدالت و پیشرفت اجتماعی را نمیتوان برای

کمونیست شیلی اخیراً گفته است: "شیلی یک نقطه عطف تاریخی در پیش دارد."

"جنبش توده ای علیه ظلم و استبداد، که کمونیستها از همان اول نقش برجستهای در آن ایفا کردند، چنان گسترش و ژرفش یافته که در ۱۰ سال گذشته بی سابقه بوده است."

بگفته کورولان:

"هنوز مبارزات سختی در پیش است، اما نکته ای که روشن است، اینست که سرنوشت رژیم فاشیستی پینوشه، معین گشته است."

استبداد نمی ماند، این رسم تاریخ است!

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

"بنیاد مستضعفان" در خدمت "مستکبران"

در این اواخر سران حاکمیت به شیوه نوین اغفال مردم دست زده اند. آنها، که تصور می کنند با توسل به تبلیغات دروغ می توان از حدت و شدت ناراضی توده ها کاست و دزدی و غارت بیت المال و فساد زرف حاکم بر نظام را پرده پوشی کرد، "هفته های آشنائی" با وزارتخانه ها و بنیادها تشکیل می دهند. اوایل خرداد ماه، "هفته آشنائی" با بنیاد مستضعفان بود. سرپرست بنیاد در یک مصاحبه مطبوعاتی مطالبی را مطرح ساخت، که شگفتن آنها به قصد افشای چهره واقعی این بنیاد بی ثمر نخواهد بود.

معمولا، در "هفته آشنائی" می بایست "امت مسلمان" را با ثروت بیکرانی که در اختیار بنیاد است، آشنا می کردند. ولی از آنجائیکه ورود به این "خریم مقدس" فقط برای زعمای قوم مجاز است، سرپرست بنیاد این موضوع را مانند همیشه مسکوت گذارد. وی گفت: "با تشکیل دفتر برنامه ریزی در بنیاد کار جمع جوری آمار از دارائیها و امکانات در حدود ۱۰۰۰ شرکت، خطوط حمل و نقل زمینی و دریائی، کارخانه، مزرعه، بیمارستان، مرقداری، گاوداری، سینما، املاک و مستغلات و غیره آغاز شده است. (اطلاعات، ۵ خرداد ماه ۶۲) آیا ثروت گردآمده در بنیاد مستضعفان به ۱۰۰۰ شرکت نامبرده پایان می یابد؟

هنوز گردانندگان این موسسه خود از میزان ثروت تحت تصرف خویش بی خبرند. هفت مساه پیش یعنی ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۱ آقای کریمی نوری که در آن ایام مقام سرپرستی را یدک می کشید، در مصاحبه ای پیرامون شرکتها و موسسات و اموال منقول و غیر منقول تحت اختیار بنیاد اظهار داشت، "تاکنون از ۳۰۰ موسسه صنعتی و شرکت گزارش دریافت شده و ۴۰ شرکت نیز تحت حسابرسی است." به گفته وی هفت ماه پیش تعداد شرکتیهای "کشف شده" بنیاد به ۲۴۰ می رسید. هفت ماه بعد سرپرست جدید "کشف" یک هزار شرکت را اعلان کرد. فردا چه خواهند گفت؟

سرپرست سابق در مصاحبه از جواهرات و عتیقه جات متعلق به بنیاد هم سخن گفت، گرچه هیچ گونه پیکره ای در این زمینه ارائه نداد. ولی سرپرست جدید، در مصاحبه "هفته آشنائی" کلمه ای درباره جواهرات و عتیقه جات بر زبان جاری نساخت. چرا؟

یک ماه پس از پیروزی انقلاب (۲۲ اسفند ماه ۱۳۵۷)، شورای انقلاب بر اساس فرمان بنیاد مستضعفان را بنیان گذارد. آقایان بهشتی، خامنه ای، موسوی اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، اصغر مسعودی، احمد جلالی و عزتاله سبحانی به عنوان هیئت موسسین تعیین شدند. در اطلاعاتی که به مناسبت تشکیل بنیاد

انتشار یافت گفته میشد، در پی فرمان درباره صادره اموال منقول و غیر منقول خاندان پهلوی و سران اصلی رژیم شاه اقدام به ایجاد ایسین موسسه می شود. وظیفه بنیاد عبارت بود از ضبط اموال اعم از غیر منقول و سپرده های بانکی، پول نقد، جواهرات، قالی، عتیقه جات و غیره. در اطلاعاتی تاکید می شد، که بنیاد این ثروت عظیم را صرف امور رفاهی توده های محروم جامعه خواهد کرد.

بلافاصله پس از انقلاب، صادره اموال خاندان پهلوی و سرمایه داران و زمینداران بزرگ و افسران ارشد و وزراء و نمایندگان مجلس آغاز شد. در فاصله زمانی اندک، صدها میلیارد ریال به اشکال گوناگون در اختیار گروهی قرار گرفت، که بطور عمده از جانب حزب جمهوری اسلامی بر رأس بنیاد مستضعفان گمارده شده بودند. مقامات دولتی تاکنون ارزش واقعی ثروت عظیم صادره شده توسط بنیاد را اعلام نکرده اند. از اطلاعاتی که در ماههای نخست بعد از پیروزی انقلاب جسته و گریخته در مطبوعات انتشار یافت، چنین بر می آید، که بنیاد در حال حاضر بیش از ۳۰۷ کارخانه و از آنجمله ۱۰۰ کارخانه بزرگ، حدود ۱۰۰ هزار خانه و آپارتمان و هتل و سینما و مؤسسات مطبوعات و نیز گنجی از جواهرات و عتیقه جات و قالی ها و تابلوها می نویسی و غیره در اختیار دارد.

همه املاک و کارخانه ها و قصرهای شاه و فامیلش به بنیاد مستضعفان منتقل شده است. در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۷، جراید نوشتند، اعضای خاندان پهلوی، دارای مالکیت کامل یا عمده ۱۰۵ موسسه صنعتی در ایران بودند، که فرآورده های از سرکه و نان گرفته تا تراکتور و موتور سیکلت به بازار عرضه می داشتند. طبق بر آوری، دارای این خاندان به ۲۵ میلیارد دلار بالغ می شد. به این ثروت عظیم باید قصرهای سلطنتی، جواهرات، تابلوها، فرشها، عتیقه جات گردآوری شده در آنها را نیز افزود. افزون بر این بنیاد مستضعفان اموال بیش از ۲۰۰ سرمایه دار و مالک بزرگ را نیز صادره کرده بنابراین به جرئت می توان گفت، که بنیاد مستضعفان در اندک مدتی توانست به "دولتی مستقل" در داخل دولت تبدیل شود.

اینک چهار سال از تشکیل این "دولت مستقل" می گذرد. پس از چهار سال تازه سرپرست بنیاد اعلام می دارد، سرگرم تهیه آمار از امکانات و دارائی های تحت پوشش بنیاد هستیم. معلوم می شود، تاکنون حساب و کتابی در این موسسه عظیم وجود نداشته است.

چندی پیش مجلس شورای اسلامی ضمن بررسی بودجه سال ۶۲، در تضرع ای از بنیاد خواست تا ظرف سه ماه عملکرد چهار ساله خود را همراه با فهرست هزینه ها و درآمدها به مجلس بدهد. سرپرست بنیاد به "امت مسلمان" مزده می دهد.

تا پایان خرداد ماه (پایان مهلت سه ماهه) اولین بار، مسئولان مالی موفق خواهند شد، صورتی از اموال بنیاد مستضعفان را تهیه کنند. چنین مسامحه ای در امر حسابرسی، در تاریخ حسابرسی جهان بی سابقه است.

چرا مجلس شورای اسلامی پس از چهار سال به فکر تهیه صورت اموال افتاد؟

دزدی و چپاول در بنیاد مستضعفان، موضوع سرشته ای نیست و همگان کم و بیش از آن باخبرند. آقای کریمی نوری سرپرست سابق بنیاد هم در مصاحبه فوق الذکر اعتراف کرد، که "ریخت و پاشی" در زمینه اموال مختلف تحت پوشش این بنیاد و از جمله "جواهرات و عتیقه جات متعلق به آن" بوده و گویا به همین علت بنیاد تصمیم گرفته بود، "عتیقه های بدون محتوی انقلابی" را در خارج از کشور بفروش رساند. وی این سخنان را ۲۰ مهرماه ۱۳۶۱ ایراد نمود. سرپرست سابق بنیاد دزدیهای کلانی را که بالغ بر دهها میلیارد ریال است، ریخت و پاش می نامد.

جالب آنکه، این "ریخت و پاش" تقریباً سال و نیم بعد از افشاء دزدیهای کلان در بنیاد فاش می شود، که نشانگر ادامه غارت در این موسسه می باشد. همه بخاطر دارند، وقتی چپاول آشکار بیت المال در بنیاد مستضعفان عالم گیر و خیرس حراج قالی ها و تابلوهای نفیس، عتیقه جات و جواهرات متعلق به بنیاد در بازارهای جهان در روزنامه های خارجی درج شد، سران حاکمیت به دست و پا افتادند. ۲۸ اردیبهشت ماه ۶۲، فرمانی دایره تشکیل کمیسیونی جهت رسیدگی به عملکرد بنیاد مستضعفان صادر شد.

کمیسیون ۹ نفری مرکب از آقایان شیخ عباسعلی عمید زنجانی، حاج سید علی اکبر محتمی، صادق طباطبائی و دیگران تشکیل شد. این کمیسیون وظیفه مشکلی را بعهده گرفت. زیرا می بایست "اسرار مگو" را فاش سازد. لذا از نخستین روز آغاز کار کمیسیون، روشن بود که از این امامزاده هم نباید انتظار معجزه داشت.

کمیسیون، در اولین اطلاعیه وعده داد، پس از بررسی همه جانبه و دقیق، مراتب را با "امت همیشه در صحنه" در میان گذارد. وقتی اطلاعیه دوم کمیسیون انتشار یافت، همه فهمیدند آقایان اعضا کمیسیون شوخی می کنند. زیرا در اطلاعیه از مردم و کلیه مسئولین بنیاد در سراسر کشور خواسته می شد، اگر از اموال منقول و یا غیر منقول و اشیاء گرانقیمت وابستگان رژیم اطلاع دارند با هیئت در میان گذارند.

واضح است، که توده های مردم از جواهرات و اشیاء گرانقیمت به تاراج رفته طی دو سال بعد از انقلاب نمی توانستند با خیر باشند. و اما مسئولین

“بنیاد مستضعفان” در خدمت “مستکبران”

بقیه از صفحه ۸

بنیاد خدمت شریک دزد و رفیق قافله بودند. بهسر حال یکماهه و نیم پس از آغاز کار کمیسیون، سخنگوی آن رسماً اعلام کرد: ۸۰۰ پرونده اختلاس و تخلف، یعنی دزدی و غارت در بنیاد تنظیم شده است. کمیسیون نه پیرامون متخلفین چیزی گفت و نه موارد دزدیها و اموال به غارت رفته را برشمرد. تا امروز، که دو سال و اندی از اعلام وجود ۸۰۰ پرونده دزدی بیتالمال می‌گذرد، احدی نمی‌داند چپا ولگران چه کسانی بودند و در کجا محاکمه شدند.

آیا اختفای یکی از دزد پنهان بی سابقه در جهان تصادفی است؟ البته نه! سران نظام حاکم نمی‌توانستند نه نام دزدان بیتالمال را فاش کنند و نه آنان را به دست عدالت بسپارند. زیرا عده کثیری از مهره‌های درجه اول همدست دزدان بودند.

در همان ایام مطبوعات ملی و مترقی، برخی از دست اندرکاران غارت بی سابقه در بنیاد مستضعفان را معرفی کردند. عاملین اساسی و عمده عبارت بودند از جمعی بازاریان ثروتمند اعضای حزب جمهوری اسلامی. سران حزب حاکم افراد خود را در حساسترین شعبه‌ها، مثلاً بر راس “واحد اجرائی” گماردند. وظیفه این واحد جمع‌آوری و فروش اموال مصادره شده بود. آقای هاشمی رفسنجانی درباره این آقایان، در یکی از خطبه‌های نماز جمعه گفت که از “زمن نهضت امام بازاریها در کنار ما اعلامیه بخش می‌کردند. پول خرج می‌کردند. برمی‌داشت تاجر می‌رفت قم پولش را می‌داد به امام، مساجد و جلسات، از بازار تغذیه می‌کرد. به بیان دیگر بازاریان صاحبان ثروت بیکران بودند که در ارا، این خدماتی بایست براس امور “سودآور” قرار گیرند. آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید: “چرا ما مثل کمونیست‌ها برخورد کنیم؟ بگوئیم که بازاری یک لغت آنطوری است. امروز هم بسیاری از اینها در کارهای انقلابی هستند و مجانی خدمت می‌کنند. (اطلاعات، ضمیمه، اقتصاد، ۸ خرداد ۶۲).

واقعاً نیز مجانی خدمت می‌کنند؟ ما پاسخ این سؤال را در زیر به تفصیل خواهیم داد. در اینجا می‌خواهیم به آقای هاشمی رفسنجانی یاد آور شویم، که کمونیست‌ها منعکس‌کننده افکار عمومی هستند. آنها همانند میلیون‌ها ایرانی می‌اندیشند. آری آقای هاشمی رفسنجانی تنها کمونیست‌ها نیستند که می‌گویند بازاری “یک لغت آنطوریست” به اعتراف صریح خودتان “هنوز هم در این مملکت بعد از انقلاب کلمه بازاری یک چیز معیوبی به نظر می‌رسد.” آن چیز محبوب بازاریان میلیونر و یا تروریست‌های اقتصادی هستند.

آقای حاج محمود کریمی توری هفت ماه پیش سرپرست بنیاد بود، در بدو تاسیس بر راس

عملاً به بنیاد غارتگران در خدمت مستکبران تبدیل گردیده است. آقای طباطبائی سرپرست بنیاد در مصاحبه منتشره در “اطلاعات” مورخ ۵ خرداد ماه، سال ۱۳۶۲ را سال “خانه تکانی” اعلام کرد. منظور وی از “خانه تکانی” جدید، واگذاری مجدد کارخانه‌ها به صاحبان اصلی آنها، یعنی سرمایه‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم و نیز فروش دیگر موسسات تحت مالکیت بنیاد به بخش خصوصی است.

آقای طباطبائی اعلام کرد، همه واحد‌های صنعتی که حکم رفع توقیف آنها صادر می‌شود، بدون استثناء به صاحبان اصلی تحویل داده خواهد شد. وی گفت، بنیاد در صدد است کارگاه‌های کوچک، مستغلات، واحد‌های خدماتی نظیر پمپ‌زین‌ها و نظایر آنها را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد و املاک و مستغلات خود در تهران نیز بفروش رساند.

“مستضعف، مستضعف تر شده است”

سرپرست بنیاد مستضعفان در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران، که گفت کارگران کارخانجات رفع توقیف شده از این موضوع اظهار نارضایتی می‌کنند، اظهار داشت: “هدف اصلی ما پیاده شدن احکام اسلام است نه جلب رضایت. زیرا رفع توقیف بر اساس حکم دادگاه شرع و قاضی شرع صورت می‌گیرد و آنها هم حکمشان را بر اساس موازین و قوانین اسلامی صادر می‌کنند.”

بنیادی، که برای خدمت به محرومین ایجاد شده بود، پس از آنکه شرایط “مستکبر شدن عده کثیری را فراهم آورد، اینست که درست در خدمت بازاریان و سرمایه‌داران وابسته قرار گرفته است. آیا این سیاست دلیل بارز آن نیست، که “مستضعف مستضعفتر” و “مستکبر مستکبرتر” می‌شود؟ و چرا این واقعیت را انکار میکنند. امامی کاشانی رئیس دیوان عدالت اداری در خطبه نماز جمعه ۶ خرداد سال جاری حتی وجود “مستضعف و مستکبر” را زیر سؤال قرار داد. وی گفت: “کدام مستضعف، کیانند مستضعفین... این چیست که مستضعف، مستضعفتر شده، منظور کیانند کدام قشر جامعه است. مستکبر مستکبر تر شده این مستکبر کیست؟ آمارشان کجاست و در آن جنایتکارانی هستند که رفتند... ناطق سپهر افزود، “بازاری که قبل از انقلاب اینقدر در خدمت انقلاب بود الان هم در خدمت انقلاب است. بازاری که همه چیزش را در راه انقلاب داده و در راه مکتب داده و می‌دهد.”

انگار آقای امامی کاشانی بی‌خبرند، که بنیاد مستضعفان کارخانه‌های ملی شده را به همان جنایتکارانی که رفته بودند و حالا باز می‌گردند، باز پس می‌دهد. و اما عملکرد بازاری در بنیاد مستضعفان نمونه بارزی است بر اینکه چگونه همه چیزشان را در راه “مکتب” داده و می‌دهند.

شعبه فروش قرار داشت. بقیه آقایان بازاریان نیز هر یک مسئولیت واحد و یا شعبه پسر درآمدی را بعهده گرفتند و بدینسان غارت بی سابقه بیتالمال توسط بازاریان و پسر نماندگان به حکومت خزیده آنها شروع شد. جالب است، که اداره امور اموال مصادره شده هژبر یزدانی میلیاردر مشهور به آقای حاج طرخانی یکی از سرمایه‌داران بزرگ سپرده شد. نام وی در فهرست پنجاه و یک نفر سرمایه‌دار وابسته به امپریالیسم قرار داشت، که اموالشان طبق تصویبنامه شورای انقلاب ملی اعلام شده بود.

همین بازرگانان و سرمایه‌داران و همدست آنان در مقامات عالی‌تر بودند، که طی چهار سال ثروت عظیمی را حقیقتاً و میل کردند. نخست عتیقه‌جات و قالی‌های نفیس و تابلوهای نادر به غارت رفت. سپس نوبت به طلا و جواهرات رسید. بازاریان عضو حزب جمهوری اسلامی طلا و جواهرات را به نفع بخش، باقیمت‌هایی چندین پار کمتر از ارزش واقعی، بدون در نظر گرفتن ارزش کار انجام شده روی آنها بین خود رد و بدل نمودند.

هم فروشندگان، هم ارزیابان و هم خریداران را بانه بازاریان گردن کلفت و یاران آنان در حزب حاکم و دولت اسلامی تشکیل می‌دادند. مثلاً قالی‌های نفیس و گرانبها به قیمت ارزان به دست آقای حسن درخشان تاجر فرش و ارزیاب گمرک می‌رسید. برادر وی آقای علی درخشان معاون وقت دبیر کل حزب حاکم بود.

غارت بیتالمال از طرق قانونی و غیرقانونی روز بروز تشدید می‌شود. چندی پیش مجلس شورای اسلامی بموجب “لایحه قانونی کاخ نیاوران و نگهداری اموال آن”، به دولت مهندس موسوی اجازه داد اشیا و آثار موجود در کاخ‌های سلطنتی سابق را، که بهای آنها کمتر از ۱۰ میلیون ریال نیست، بفروش رساند. این قانون در واقع کلاه شرعی برای ادامه چپاول و تاراج است. چه کسانی باید قیمت‌ها را تعیین کنند؟ آقایان بازاریهای عضو حزب جمهوری اسلامی که خریداران نیز آنند.

آقای کریمی توری سرپرست سابق بنیاد مستضعفان با استناد به این قانون در صدد بود، “عتیقه‌جات بدون محتوای انقلابی” را در خارج از کشور به فروش رساند. همدم محتوای انقلابی “طریق دیگر شرعی دزدی بیتالمال است.

برای هضم بهتر ثروتمندان به حکومت خزیده است که همه تابلوها و قالی‌های نفیس، عتیقه‌جات و جواهرات دارای ارزش تاریخی، که شاه و خاندانش به حساب غارت میلیون‌ها ایرانی خریداری کرده‌اند، فاقد محتوای انقلابی شده‌اند.

چنین است ماجرای بنیاد مستضعفان، که

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

بحران سیستم توزیع، بحران انقلاب است

در شرایطی که انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ما، دوران دشواری را میگذراند، هنوز بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه ما همچنان لاینحل باقی مانده است. یکی از این مشکلات که حل آن در عین حال از مبرم ترین ضروریات انقلاب می باشد، همانا دگرگونی ریشه ای نظام توزیع است.

رابطه تنگاتنگ، مداوم و بلاواسطه سیستم توزیع با توده مردم و اینکه، هرگونه اختلال در آن به سرعت با زتاب وسیع اجتماعی پیدا می کند، مبرم بودن حل این مسئله را بیش از پیش آشکار می سازد. نگاهی به سیستم توزیع در ایران، خصوصاً در قسمت ما، محتاج ضروری و روزمره مردم و بررسی کوتاهی در روند تغییرات آن طی دوران بعد از انقلاب تا به امروز، نابسامانی و آشفتگی در این بخش از اقتصاد را نشان می دهد. هم اکنون همه جا صحبت از گرانی، کمپایی، بازار سیاه و احتکار در میان است. لجام گسیختگی در امر توزیع سبب شد که بخش توزیع به یکی از سودآورترین بخشهای اقتصاد سرمایه داری ایران ارتقا یابد و بتواند بخش اعظم سرمایه های سرگردان را همانطور که قانون سرمایه داری است، یعنی سرمایه گذاری در سودآورترین رشته، به خود جلب نماید. و به این ترتیب جریان زندگی یکبار دیگر نشان داد که نمیتوان سرمایه های سرگردان یعنی پول سرمایه داران را که در نیال سود بهر قیمت هستند، بسا موعظه و نصیحت به عرصه کارهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی، که از سود پائین تری برخوردار هستند، کشانید.

یکی از علل عمده عدم موفقیت در ایجاد یک نظام سالم توزیع را بایستی در سوء استفاده ها، مخالفتها و کارشکنی های مستقیم و غیر مستقیم سرمایه داران و تجار بزرگ و نمایندگان آنان در درون و بیرون دولت دانست. آنها که به آرزای بودن داد و ستد معتقدند، مانع ایجاد یک شناخت صحیح برای خلاصی از این بست فقلی توزیع در بین مسئولینی، که در مقابل خلق برای تخییر سیستم توزیع تعهد نسرده بودند، شدند. راستگرایان و نمایندگان سرمایه داری و تجار بزرگ توانستند با استفاده از شیوه های شانتاژ و اهرمهای مالی - اقتصادی و اجتماعی گوناگون، تلاش نیروهای طرفدار اصلاحات به نفع مستضعفین را در دستگاههای دولتی خنثی کرده، منفعل نگاهدارند و بالاخره قاطعیت لازم را از آنان سلب نمایند.

گزارش کیهان مورخ ۱۳۶۱/۵/۱ حاکیست که مسئله توزیع میوه را در شهر چند میلیونی تهران، ۴۰ نفر سلف خر بعبده دارند که بسا خرید میوهها سالانه ۴۰۰ میلیون تومان سود را به جیب خویش سرازیر می کنند، کیهان سپس می هشدار می دهد که دولت باید در ترسیم خط اقتصادی جمهوری اسلامی سرعت و قاطعیت به

خرج دهد و با خلق ید از محکربین و سرمایه داران که با پولهای سرگردان شان عامل تورم می شوند، به نفع مستضعفین وارد عمل شود و بایسد پولهای بخش خصوصی را از تجارت و دلالی و واسطه گری به طرف تولید داخلی غیر وابسته سوق دهد، به نحوی که باعث استضعاف یک طبقه و استکبار طبقه دیگر نشود.

این هشداری است که قریب یکسال پیش به دولت جمهوری اسلامی داده شده است و از دولت خواسته شد که "سرعت و قاطعیت" بخرج دهد، یعنی با برنامه ریزی و همچنین محدود کردن بخش خصوصی جلوی استثمار لجام گسیخته آنرا بگیرد. این هشدارها بطور مشخصی در همان ایام بکرات عنوان می شد، از جمله آقای حجت الاسلام برهانی، معاون سابق داندسرای انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی، در مصاحبه ای با خبرنگار اطلاعات (در شهریور سال ۶۱) جریانهای خطرناک نارضی تراش و عاملین قاچاق سیگار و گرانیفروشی و احتکار کالا های ضروری را افشا و در مورد دستهای پنهان و مسیبن انحراف در سیستم توزیع کالا گفت: "۰۰۰ باید نسبت به مسائل بطور ریشه ای نگاه کنیم، ریشه این مسئله بر میگردد به آنجایی که کالا وجود دارد، اما بطور قانونی وجود ندارد. مسئول مستقیم این مسئله کالتام ای توزیع وزارت بازرگانی است. (منظور اتحادیه های "تعاونی" سرمایه داران است - راه توده - که کالتالهای توزیع کالا با این انقلاب عظیم و خون شهدا تطبیق ندارد. . . . بعضی از این فرصت طلبی ای سودجو تا ز گوشهای می شنوند که در فلان جا قرار است یک کالتال توزیع تشکیل شود، قبل از تشکیل خبردار میشوند و عضو هیئت مدیره آنها می شوند. . . ."

لیکن این انتقادات و آن رهنمودها نه تنها به گوش دولت جمهوری اسلامی نرفت، بلکه از زبان وزیر بازرگانی این دولت اعلام شد که:

"یکی از مهمترین اهداف این وزارتخانه شکل دادن به تعاونیها است" (سخنان عسگر اولادی، کیهان ۱۳۶۱/۶/۳۰) اینجین "تعاونیها" اتحادیه های سرمایه دارانی است که بوسیله معدودی، کلان سرمایه داران بعنوان سهام داران هدهه آن کنترل می شوند و بدین طریق با سوء استفاده از نام تعاونی، کلاه "شرعی" و قانونی بر سر زحمتکشان و مصرف کنندگان می گذارند. آقای وزیر بازرگانی پیشنهاد می کرد که امر توزیع بایستی توسط "تعاونیهای کلان سرمایه داران" و توسط "اتاق بازرگانی و کمیته امور صنفی" کنترل شود. (کیهان ۱۳۶۱/۶/۳۰)

آیا واقعا چنین کنترل کنندگانی می توانستند مسئله نابسامانی توزیع و گرانی سرسام آور را به نفع زحمتکشان حل کنند؟ اتاق بازرگانی که از زمان رژیم سابق وجود داشته و هنوز هم مرکب از نمایندگان سرمایه داران و تجار عمده می باشد،

یک چنین نهادی چگونه می تواند بر ضد منافع خود و به نفع زحمتکشان عمل نماید؟ "کمیته امور صنفی" هم راه دورتری از اتاق بازرگانی نمیرفت کافی است به سخنان آقای خاموشی - با وجود رسوائی و مجرم شناخته شدن بوسیله کمیسیون بازرگانی مجلس و دیوان عدالت اداری توانست رای اعتماد از نمایندگان مجلس شورای اسلامی بگیرد - سرپرست وقت کمیته امور صنفی توجه کرد. وی با صراحت می گوید:

"در مورد توزیع کالا یا ستاد بسیج اقتصادی اختلافاتی داریم. ستاد بسیج اقتصادی بر این عقیده است که توزیع کالا همانند خرید آن بایستی دولتی شود، ولی ما به توزیع توسط بخش خصوصی عقیده مندیم." (اطلاعات ۱۳۶۰/۹/۱۶)

و بالاخره، آقای وزیر بازرگانی در سخنرانی خود در جمع اقشار مردم و اصناف و بازاریان بند رهباس اعلام میدارد:

"توزیع کالا با اعمال قانون به بازار واگذار میشود. ما سعی نخواهیم کرد تا جزئیات را در تجارت دخالت دهیم، و یا توزیع را در انحصار دولت قرار دهیم بلکه با تجربیاتی (!) که به دست آورده ایم، تجارت و توزیع را به حالت عادی در می آوریم (!)". آقای عسگر اولادی در مورد توزیع کالا می گوید:

"یقیناً توزیع جز در موارد ضروری دولتی نیست و کسبه و اصناف باید با بازسازی در بازار لیاقت توزیع عادلانه کالا را که قبلاً داشته اند (جل الخالق!) به منصه ظهور برسانند و در این مورد نظام سنتی توزیع با اعمال قانونی که به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید، انجام خواهد شد. . . ."

وی سپس ضمن اشاره به موفقیت این طرح می گوید: "با آزمایشاتی که در این زمینه انجام شده بود، تا نود و پنج درصد موفقیت داشتیم. . . . (کیهان، ۱۳۶۲/۱/۲۴) (همه تأکیدات از ماست). عباراتی مانند "تجربیات موفق گذشته" و "حالت عادی" و "نظام سنتی" نشان دهنده همین روح حاکم بر وزارت بازرگانی است که مسئول مستقیم نارسائی در سیستم توزیع کالا می باشد. و بقول آقای فواد کریمی نمایندنده مجلس: "اگر می خواهید این تورم از بین برود، اول وزیر بازرگانی و سیاست بازرگانی کشور را تغییر دهید، وزارت بازرگانی چنگر و گراپیروشی را می شناسد ولی به او کالا می دهد. خود وزارت بازرگانی عامل واسطه ها و گرانیفروشی است." (مذاکرات مجلس شورای اسلامی) به این ترتیب آقای فواد کریمی، نه فقط بحران سیستم توزیع بلکه بر علل سیاسی اجتماعی آن که تسلط سرمایه داری بزرگ غارتگر در اقتصاد کشور و همچنین در وزارت بازرگانی است انگشت می گذارد، و بحق خواستار برکناری مسئولین این بقیه در صفحه ۵

محافل دمکراتیک بین المللی به پشتیبانی خود از حزب توده ایران ادامه می دهند

بقیه از صفحه ۲

اقدامات لازم برای نجات جان آنان، اعلام نمودند.

● در جلسه‌ای که با حضور صلح دوستان آمریکائی، پیرامون مسأله صلح تشکیل شد، شرکت کنندگان، ضمن امضا، اعتراضات علیه دستگیری و شکنجه رفقای توده‌ای، همبستگی خود را با آنان نشان دادند.

● در جلسه‌ای که در یکی از کلیساهای این منطقه برگزار گردید، حاضرین، با دادن امضا، نسبت به اعمال روشهای غیر انسانی در مورد زندانیان توده‌ای، اعتراض نمودند.

برگزاری میتینگ همبستگی با حزب توده ایران در استکهلم

روز شنبه، یازدهم ژوئن (بیست و یکم خرداد ماه)، بابتکار " کمیته دفاع از زندانیان توده‌ای " در سوئد، میتینگ در میدان مرکزی استکهلم، پایتخت این کشور، جهت همبستگی با حزب توده ایران، برگزار گردید.

در این میتینگ، علاوه بر هواداران حزب توده ایران، نیروهای مترقی سوئدی و خارجی شرکت داشتند و محل برگزاری، میتینگ، با شعار های " همبستگی با حزب توده ایران " و شعارهای دیگر مبنی بر دفاع از زندانیان توده‌ای، تزیین شده بود. شرکت کنندگان نیز پلاکارتهایی یا خود حمل میکردند که شعارهای صدها آن: " دفاع از حزب توده ایران " دفاع از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران است، " اسامی دستگیر شدگان و جرم آنان باید اعلام گردد! "، " اسرار این جنایات هولناک باید افشا گردد "، " به دستگیری و شکنجه تودهایما پایان داده شود! " بود و برخی از آنان نیز پوسترهایی بزرگ رفیق کیانوری را در دست داشتند. در ابتدا، اعلامیای از طرف برگزار کنندگان مراسم قرائت گردید که در آن اوضاع ایران، نقش حزب توده ایران در انقلاب و مسئله " اقلیت تلوزیونی و نظریه متخصصین و پزشکان دودود نحوه کسب آن و اعمال شکنجه های جسمی و روانی در مورد مبارزین توده‌ای، به سمع شرکت کنندگان رسید.

سپس قطعنامه ای که از طرف سازمانها و احزاب دمکراتیک پشتیبانی شده و رونوشت آن به سفارت ج ۱۰۱۰ در سوئد ارسال گردیده است، قرائت گردید. در این قطعنامه، ضمن بررسی وقایع اخیر ایران، بویژه حمله راستگرایان به حزب توده ایران و ابراز نگرانی از سرنوشت انقلاب، کارزار پیگرد علیه حزب و اعضای آن قویا محکوم گردیده و خواستهای زیر مطرح شده است:

۱- اعزام هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان با ایران جهت دیدار از زندانیان،

۲- تشکیل دادگاههای علنی، تحت نظارت بین المللی،

۳- منع تعقیب و پیگرد اعضا و هواداران حزب توده ایران و سایر نیروهای دمکراتیک،

۴- آزادی فوری کلیه زندانیان توده‌ای.

میتینگ، سپس، با شعار " همبستگی با حزب توده ایران " و " درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران " به پایان رسید.

احزاب و سازمانهای امضاکننده قطعنامه بدینقرارند:

شعارهای " دستهای جلاد از حزب توده ایران کوتاه باد " و " آزادی برای کمیته‌های ایران " قطع شکنجه‌ها و آزادی رفقای زندانی را خواستار گردیدند.

● روزنامه ریزوس پاستیس، ارگان حزب کمونیست یونان، در شماره دوم ژوئیه (یازدهم تیرماه) خود، اقدام به درج کامل بیانیه کمیته بیرون مرزی حزب توده ایران خطاب به مردم ایران نمود، که در آن شیوه‌های خفیان علیه دگراندیشان محکوم شده است.

افکار عمومی مترقی اتریش اقدامات جهت نجات جان زندانیان توده‌ای را گسترش میدهند

در جشن روزنامه حزب کمونیست اتریش که با شرکت چندین هزار نفر در تاریخ سوم و چهارم



میتینگ همبستگی با حزب توده ایران در سوئد

ژوئن (۱۳ و ۱۴ خرداد ماه) در شهر زالسبورگ برگزار گردید، مسئول حزب کمونیست در این شهر، ضمن ایراد بیاناتی در دفاع از حزب توده ایران از شرکت کنندگان در جشن دعوت کرد که با تمام وسائل به حمایت از حزب و زندانیان مبارز توده‌ای برخیزند و به عنوان اولین اقدام در این زمینه، از خواست اعزام هیأتی جهت بازدید از زندانیان پشتیبانی نمایند.

● در تاریخ نهم ژوئن (۱۹ خرداد ماه) در مراسمی که به پیشنهاد بود سالروز تیرباران یکی از مبارزین ضد فاشیست اتریشی برگزار شده، ۴۰ تن از شرکت کنندگان، با تهیه نامه‌ای یادرس سفارت ج ۱۰۱۰ در وین، پس از بر شعردن تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران، از اینکه در مورد بهترین مدافعان انقلاب ایران، این چنین روشهای ددمشانه‌ای اعمال می‌شود، ابراز تنفر کرده و ضمن مطرح کردن خواست آنان، از اعزام هیأتی با ایران جهت بازدید از زندانیان توده‌ای، پشتیبانی کرد ماند.

- حزب چپ کمونیستهای سوئد VPK ● حزب کارگری کمونیست سوئد APK ● سازمان جوانان کمونیست سوئد SKU ● جوانان کمونیست KU ● حزب کمونیست عراق در سوئد ● حزب کمونیست یونان KKE ● حزب کمونیست اورگوته ● سازمان دانشجویان عراقی عضو GUSIR ● سازمان دانشجویان کرد در اروپا- بخش سوئد ● سازمان زنان کرد ● سازمان جوانان کمونیست یونان KNE ● جنبه خلق برای آزادی فلسطین PFLP ● کمیته صلح سوئد ● حزب کمونیست پرتغال ● حزب کمونیست بولیوی.

یونان

روز سه شنبه بیست و هشتم ماه ژوئن (هفتم تیرماه)، از طرف سازمانهای حزب کمونیست یونان، در هفت منطقه، تظاهراتی اعتراضی در جلوی سفارت ج ۱۰۱۰ در آتن، ترتیب داده شد که در آن چند نفر از دمکراتهای یونان شرکت داشتند. شرکت کنندگان در تظاهرات، با

در هفته‌ای که گذشت:

گران قانونا هم پائین رود. بخشی از مخالفین طرح نه برای دفاع از اصول قانون اساسی به این طرح ضد مردمی رأی ندادند، بلکه به این علت با آن مخالفت کردند، که طرح فوق برای آنها هنوز هم خارج از "شرع" شان بود.

ابوطالب محمودی در اینمورد اظهار کرد: "ما الان باید مردم را به سرمایه‌گذاری در کارکشوری تشویق کنیم و پولهای سرگردان را از بین ببریم... و آقای علی حقیقت افشار معتقد بود که: "محدود کردن مالکیت حلال، صددرد اسلام، سعی و تلاش و جوشش را که لذت زندگی (!) وابسته به آن است، از جامعه میگیرد و... و خلاصه همانطور که ذکر شد آنها حتی همین طرح را هم محدودکننده مالکیت می‌دانند و از اینرو با آن مخالفتند!

امپریالیسم مشروع و نامشروع

دولت در لایحه مربوط به نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، مربوط به تحدید مالکیتها، که به مجلس داده شد، (که درباره آن بعداً صحبت خواهیم کرد) دست‌گل تازه‌ای به آب داده است. در ماده ۴ این لایحه پیش‌بینی شده است، که شعبه‌های دادگاه انقلاب اسلامی موظفند، نسبت به مشروعیت اموال و دارایی‌های اشخاصی که طبق بند سوم این ماده، "عضو و سهامدار شرکت‌های مصادره شده و یا چندملیتی و شرکت‌ها و موسسات آمریکایی و اسرائیلی و انگلیسی بودند رسیدگی و اقدام کنند".

باید گفت که ما مخالفتی با رسیدگی و خلع ید واقعی - نه فقط در حرف - از کسانی که شریک غارت چپاولگران خارجی این مردم بوده و هستند، نداریم. سؤال این است، چسرا یکبار رسیدگی و اقدام در مورد اموال کسانی که با امپریالیستهای آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، و ژاپن - که نقش کمتری در چپاول هم میهنان ما نداشته‌اند به فراموشی سپرده شود و آب "مشروعیت" بر سر آنها ریخته می‌شود؟ آیا واقعا امپریالیسم "مشروعی" که "وجه شویه" را پرداخته باشد وجود دارد؟

فساد و ارتشاء در سایه جنگ

زیر سایه جنگ ترور اقتصادی، فساد و ارتشاء از عواملی هستند، که در ماههای اخیر همراه با تعمیق روزافزون نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و گسترش فقر و تنگدستی در جامعه، سرپای دستگاه حاکم و حیات اجتماعی میهن ما را فرا گرفته است.

اگر د بیروز غارت محترمان آهن و شیشه و چای و برنج و سو استفاده پنهان از اموال عمومی گوشه‌ای از این دزدیها را نشان میداد، امروز دیگر به جنگ زدگان و خانواده‌های شهدا نیز رحمی نمی‌شود.

بدنبال اختلاس ۲۷ میلیون تومانی جهت ۵۰۰ دستگاه ساختمان برای اسکان جنگ زدگان از سوی مسئولان بنیاد جنگ زدگان و همچنین سوء استفاده از مقام مدیریت این بنیاد نامنهای از طرف ۱۱۰ تن از نمایندگان مجلس تسلیسم بقیه در صفحه ۱۳

تشدید توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس

هفته گذشته، شولتز وزیر امور خارجه آمریکا به پاکستان مسافرت کرد و مانند سلف خود برزینسکی، از اردوگاه‌های باصطلاح "مجاهدین" افغانی نیز دیدار کرد.

وی پس از انجام مأموریت خود در پاکستان عازم عربستان سعودی شد تا به مأموریت خود ادامه دهد. ایچسداد هماهنگی و همکاری نظامی بین کشورهای پاکستان و عربستان سعودی به منظور سرکوب هر جنبش ضد دیکتاتور و ضد امپریالیستی در این منطقه، یکی از وظایف وزیر امور خارجه آمریکا است. این هدف در انطباق است با تدارکات توطئه‌گرانه اخیر امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، که تشکیل "سپاه مدخله" سریع "از سوی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج" و "تسبیح اردو" مانور مشترک نظامی از سوی آنها، جزئی از آن است ("راه تنوده" ۴۷ و ۴۸).

معاون وزیر امور خارجه آمریکا نیز در نوامبر سال گذشته پاکستان را "ننگر ضروری شمسام منطقه جنوب غربی" توصیف کرد. آمریکا در پیگیری این نظریه، عربستان سعودی را به تقویت روابط نظامی خود با پاکستان ترغیب کرده بود. منافع امپریالیسم آمریکا اقتضا می‌کند که پاکستان بصورت جزئی از طرح امنیتی آمریکا برای خلیج فارس درآید. عربستان سعودی، ترکیه و مصر، دیگر اجزای این طرح هستند و بهمین علت است، که مقصد بعدی در سفر آقای شولتز وزیر امور خارجه آمریکا مصر است.

راستگرایان حاکم بر دولت جمهوری اسلامی ایران، که سیاست خارجی میهن ما را در جهت همکاریهای هرچه گسترده‌تر استراتژیک با کشورهای ترکیه و پاکستان سوق داد، مانند و نویسد برقراری این همکاریها با عربستان سعودی نیز در سخنان رئیس‌جمهور بازتایافته، آرزوی روزی را می‌کشند، که از آقای شولتز بتوانند با آسودگی و فراغ‌بال در ایران پذیرایی نمایند و در این عرصه نیز از همکاری خود در ترکیه و پاکستان عقب نمانند.

مجلس شورای اسلامی، طرح حدود مالکیت وارد کرد

بالاخره پس از گذشت ۵ سال از انقلاب، طرح قانون حدود مالکیت در مجلس شورای اسلامی مطرح و مورد بحث قرار گرفت.

این طرح به هیچ وجه پاسخگوی نیاز جامعه انقلابی، که تعیین حدود مالکیت را به منظور تعیین خطوط و حد و مرزهای مالکیت در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی تنظیم می‌کنند،

نیست. بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی، بخش دولتی بخش‌صده اقتصادی است، که با بخش تعاونی اساس و پایه ساختار اقتصادی کشور را تشکیل می‌دهد؛ بخش خصوصی، نقش مکمل دوشش اول را به عهده دارد. حالیکه در بخش دولتی صنایع سنگین و مادر و بانکها و بیمه‌ها متمرکز شده‌اند، بخش خصوصی از نظر وسعت سرمایه و بخش‌های مجاز تولیدی و اقتصادی محدود و شناخته می‌شود. در اصل ۴۴ این نکته چنین توضیح داده شده است:

"بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی دامداری، صنعت تجارت و خدمات می‌شود، که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است".

چنانکه انتظار میرفت "طرح حدود مالکیت" که توسط راستگرایان و در روزهای تحکیم مواضع ضد مردمی آنها، به مجلس تقدیم شده بود، به این رسالتی که قانون اساسی ج ۱۰۱۰ به قوه مقننه برای تصویب قانون اجزای اصل ۴۴ داده بود، واقعی نگذاشت.

آقای محمد اصغری وزیر دادگستری در مورد این طرح اظهار داشت:

"... بهتر بود اسم طرح را "اسباب تملک" می‌گذاشتیم چون بیشتر از اسباب تملک صحبت می‌کند تا حدود مالکیت". سپس آقای محمد اصغری ضمن برشمردن تشابهات مواد این طرح با مواد قانون مدنی می‌گوید:

"در قانون اساسی در اصول ۴۷، ۴۶، ۴۵، ۴۴، ۴۳، ۴۰، دقیقاً حدود مالکیت و قدرت اصل لاضرر بیان شده، بنده فکر می‌کنم که در این طرح باید اشاره می‌شد که قانون اساسی اصلاً مالکیت‌های بزرگ را رد کرده است و افراد نمی‌توانند در کارخانه‌های بزرگی که در اصل ۴۴ آمده است، مالکیتی داشته باشند". این طرح در رأی‌گیری از سوی نمایندگان رد شده. نکات قابل ذکر دیگر بعضی از اظهار نظرات موافقان و مخالفان این طرح، که پدید از اهداف نیروهای هوادار کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی برمی‌آید، از جمله توسط عبد خدائی بعنوان یکی از موافقان بیان شد. او اظهار کرد:

"جامعه باید از نظر مالکیت ثبات و اطمینان پیدا کند". "عزت‌الله دهقان موافق دیگر نظر کرد: "در اسلام حد عددی و هندسی برای مالکین معین نشده است". وی از "اسلام" خود نیز مایه گذاشت و پای مستضعفان را هم به میان کشید و گفت: "خدا همانطور که می‌خواهد طرف مستضعفین رعایت شود، می‌خواهد مالکیت هم محترم باشد". آقای عباس عباسی بعنوان موافق دیگر اظهار نظر کرد که: "امنیت مالکیت باید در کشور ایجاد شود و این امر صریحاً باید اعلام گردد". تا در واقع آب‌خوش از گلوی غارت-

در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲

رئیس مجلس شد تا تذکری را به نخست وزیر ابلاغ کند. در این نامه که از "علکرد مسعود" مدبریت امور جنگ زدگان "اظهار ناراضی شده است پس با اشاره به "انبوه تخلفات" آقای کریمی نوری سرپرست بنیاد جنگ زدگان نامبرده را رسماً محکوم کرده و از وزارت کشور میبرد، چرا وزارت کشور بر خلاف رای مجلس مدبر بنیاد را عوض نمی‌کند؟ یا این وجود جای تعجب اینجاست که چگونه بقول آقای رشیدیان نماینده مردم آبادان "مسئولین سابق بنیاد جنگ زدگان همه تخلف کردند، علاوه بر آن ارتقاء مقام نیز یافتند؟" بقول معروف اموال عمومی را بسا لا کشید هاند و آب خنکی هم پس از آن نوش جان! و همچنان بعنوان نماینده و وکیل و وزیر و فرماندار و استاندار در ارگانهای دولتی جا خوش کرده، محکم نشسته‌اند و داعیان پروپاگوس "عدالت اسلامی" هم شده‌اند و ارتقاء مقام نیز می‌آیند. آنگاه آقای نخست وزیر تازه می‌گویند: "طبعاً خود این مسئله هم در جامعه بسک تنبش‌های حساسی را بوجود می‌آورد، که باید با تجزیه و تحلیل دقیق با آن روبرو شد" (کیهان ۴ تیر ۶۲).

مردم ما دیگر چه خونبهای را باید بپوشانند تا امثال هژم یزدانیهما و خرم‌ها، پوراستادها و خاموشیهما بر جان و مالشان حکم نزنند؟ نمونه‌ای دیگر از رواج چنین فساد و غارتگری در اختلاس ۱۸ میلیون تومانی فرماندار سابق یکی از شهرهای استان خوزستان است. نماینده مردم آبادان می‌گوید:

"قهر بیشتر تعجب خواهد فرمود اگر بگویم که متخلف در سطح معاون وزیر، آن هم در ارگانی که پاسدار ثروت عمده کشور است جا خوش کرده است" و "هر کس که در کشف جرم و در تعقیب متخلف کمک نمود خودش از طرف مسئولین استان خوزستان تحت تعقیب قرار می‌گیرد".

این مشت نمونه‌ای از خروار، نمونه‌ای از رشده فساد و غارت مردم، و فقط گوشه‌ای از آن چیزی است که به گفته محمد رشیدیان "مخرمانه برای مسئولین گفته‌ام" و آنهم فقط از استان خوزستان. بیشک استقرار مناسبات سرمایه‌داری که ارکان آن بر اساس استثمار نیروی زحمتکشان، دزدی، غارت، ارتشاء و ثروت اندوزی استوار است، هجر مولد فساد و تباهی نیست.

تفتیش عقاید

اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می‌کند که تفتیش عقاید ممنوع است. آیا دولت جمهوری اسلامی ایران وارگانهای تابعه که باید اجرا کننده این قانون باشند، به آن عمل می‌کنند؟

کنکور سراسری گزینش دانشجویان رشته‌های پزشکی و چند رشته دیگر پس از ۳ سال که باز گشایی دانشگاهها به تعویق افتاد، بالاخره ماه

ها پیش انجام گرفت تا لااقل بتدریج آموزش عالی روال عادی خود را باز یابد. تأخیر طولانی در بازگشایی دانشگاهها باعث افزایش موج ناراضی مردم و تذکر مکرر مقامات عالیترتبه جمهوری، از جمله آیت الله العظمی منتظری گشت، که به حق خواستار گشایی مجدد دانشگاهها بود. بالاخره کنکور انجام گرفت و دیلمه‌های جویای علم مشتاقانه در آن شرکت جستند تا با گذشتن از خوان اول، در دانشگاه ثبت نام کرده و از جمله در رشته حیاتی پزشکی با هدف یاری رساندن به حل معضل کمبود پزشک و وضع نسلاً بسامان بنهداشت تحصیل کنند.

اما آیا برخورد مسئولین نیز به این امر حیاتی مسؤلاته است؟

پس از گذشت چندین ماه از کنکور هنرآسانی قبول شدگان اعلام شده است، وزارت علوم آموزش عالی در مقام پاسخ به پرسش پیرامون علت تأخیر در اعلام آسانی قبول شدگان، مدعی شد که این وزارتخانه "بی‌گناه" است و کمیسیون تحقیق درباره قبولشدگان کار خود را به پایان نرسانده است. این "کمیسیون تحقیق" کمیسوزنی است که برای حفظ "ضوابط شرعی" به تحقیق درباره قبولشدگان پرداخته و موظف شده است نظرسر دهد، که چه کسی از قبولشدگان کنکور شایسته تحصیل است. بدیهی است که "ضوابط شرعی" آنها نه بر آن پایه است، که چه کسی از قبولشدگان از پایه‌های علمی لازم برخوردار است و آنقدر استعداد فراگیری دارد، که بتواند این علم را بیاموزد، بلکه آنها در جستجوی کسی هستند که پس از تفتیش عقیده‌اش "شایستگی" پزشک شدن را دارا باشد! اگر اینجا هم "ضوابط شرعی" آن است، که در بکار گرفتن عمال ساواک، بکار گرفته شده است، که وای بسه آینده پزشکی میهن ما.

البته وزارت فرهنگ قول داده است تا در آینده شیوه‌های سرپرستی برای تفتیش عقاید به کارگیرد، از جمله با "معرفین" (؟) داوطلب مکاتبه شود و با ارگانهای مختلف (کدام ارگانها؟) تماس گرفته شود.

آقای محمد علی نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی ج. ۱۰۱۰. حل مشکل را در ایجاد تحول در دستگاه تفتیش عقاید می‌داند و می‌گوید:

"با توجه به مشکلات تحقیق در کنکورهای گذشته و تأخیر در اعلام نتایج در نظر داریم نظام تازه‌ای را در زمینه تحقیق (پس‌خوان تفتیش عقاید) به اجرا در آوریم بدین نحو که با معرفین داوطلبین مکاتبه و با ارگانهای مختلف در آینده تماس گرفته می‌شود و پیش‌بینی می‌کنم که از این راه مهلت تحقیق کاهش یابد".

بالاخره آقای وزیر با کمال خونسردی اعلام می‌کند که: با توجه به کثرت تعداد داوطلبین در آزمون سال تحصیلی جاری قول شروع کلاسهای قبول شدگان در مهرماه آینده داده نمی‌شود اما کلاسهای کسانیکه در کنکور گذشته قبول شد تدر اول سال تحصیلی ۶۲-۶۳ دایر خواهد شد.

آقای وزیر گمان می‌کند و می‌خواهد به دیگران بقبولاند که در واقع علت بحرانی که دانشگاه‌های ما را فرا گرفته

است نه در اثر سیاستهای خرابکارانه عناصر مشكوك و قشری و راستگرایان است بلکه در نتیجه نارسایی سیستم "تحقیق" (پخوان تفتیش عقاید) وزارت فرهنگ و آموزش عالی است و گمان میکند با بالا بردن راند مان در دستگاه تفتیش عقاید مشکلات حل خواهد شد.

طبیعی است وقتی که وظیفه "حفظ مملکت" و "امنیت" به دست ساواکیهای جنابق سپرده شده، سرنوشتی جز پایمال شدن قانون اساسی نصیبش نخواهد شد و جوانان جویای علم و خواستار خدمت به میهن به سرگردانی محکوم میشوند. حال باید پرسید چه کسی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پای بند است! مطمئناً نه آنکسانی که تفتیش عقاید را در میهن ما برقرار ساخته‌اند!

درگیری مالکان

بادهقانان ادامه دارد

هر روز که می‌گذرد اخبار تازه‌ای در مورد درگیری شدن خوانین و بزرگ مالکان با دهقانان به گوش می‌رسد. دهقانان زحمتکش میهن ما از طرف بزرگ مالکان و خوانینی که جهت بازپس گرفتن زمین‌های تقسیم شده به روستاها بازمی‌گردند به اشکال مختلف مورد ستم و ظلم واقع می‌شوند و هیچ مرجعی که دهقانان بتوانند خواست‌های بحق خود را که از انقلاب انتظار داشتند، از او بخواهند وجود ندارد. آنها در مقابل بزرگ مالکان فراری که اکنون با تحکیم مواضع راستگرایان در حاکمیت بازگشته‌اند از حمایت هیچ ارگانی برخوردار نیستند و دادگاه‌ها نیز بی‌دری دهقانان را محکوم کرده و به زندان می‌اندازند.

در هفته گذشته نیز عده‌ای از اهالی روستای ولیده، خواستهای به حق خود را طی نامه‌ای که در روزنامه "ج" ۱۰ مورخ ۴ تیر ماه ۶۲، چاپ رسید اعلام داشتند متن نامه به این شرح است: "متاسفانه زمین داران و سرمایه‌داران بزرگ فرصت طلبانه از پیام ۸ ماده‌ای امام سوء استفاده کرده و جهت غصب دوازده سرمایه‌ها و زمین‌های غیر شرعی خود که در رژیم منحوس گذشته با زور سر نیزه بدست آورده بود ند به تکاپو افتاده و سرگرم توطئه می‌باشند تا باریک‌برگرده کشاورزان مظلوم که عمرشان را در راه آباد کردن زمین‌ها داده‌اند سوار شوند. برای نمونه در روستای ولیده مالکین بزرگ بار دیگر درصد غصب زمین‌ها هستند. امید داریم با تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی ما دهقانان مستضعف بتوانیم در چهار چوب قانون با دلگرمی هرچه بیشتر به کار خود بپردازیم زمین‌ها ادامه‌دهیم.

امضاء عده‌ای از اهالی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خلق

مشکل حل نشدنی مسکن

یکی از بزرگترین دشواری‌های توده‌های دهنها میلیونی، رومان جامعه ما مسئله مسکن است، که در عین حال یکی از میدانهای غارت بی بند و بار سرمایه‌داران "بساز و بفروش" و اجاره خوار بوده و هست.

باید این واقعیت را یادآور شد که پس از پیروزی انقلاب هم تاکنون، حتی برپایه امکانات موجود، یعنی حل مسئله مسکن در چهارچوب تقسیم عادلانه ساختمان‌های مسکونی موجود، با تمام ادعاها و تعهدات، اقدامی انجام نگرفته است.

اظهارات اخیر وزیر مسکن و شهرسازی که بیان به بن بست رسیدن "راه حل‌هایی" است که تا کنون حاکمیت جمهوری اسلامی ارائه و تا موفق آزمایش کرده است، خود هنوز پاسخ روشن و کافی و عملی برای حل این معضل نیست.

وزیر مسکن و شهرسازی در سفر به تبریز اعتراف کرد که:

"(ما) حدود ۲ میلیون واحد مسکونی کم داریم".

وی اظهار داشت که برطرف کردن این کمبود در برنامه ۵ ساله آینده در نظر گرفته شده است و مدعی شد:

"به این منظور، علاوه بر ۱۰۰۰۰ واحد مسکونی در برنامه ۵ ساله اول، ۳۰۸ هزار واحد مسکونی نیز در سال جاری در کشور ساخته می‌شود" (اطلاعات، ۲ تیر).

این اظهارات در درجه اول تعهد دیگری است، که دست‌اندرکاران ج.م.ج. برای حل مسکن ایران برای چندمین بار به مردم می‌دهند و ثبت تاریخ می‌شود. زمانی بود که از سوی آیت‌الله خسر و

شاهی، مسئول وقت بنیاد مسکن، بنیادی کوه محرومین و مستضعفین به آن دل بسته بودند و برای تقویت بنیه مالی آن از بذل تنها ذخیره هایشان، یعنی زیورآلات محقر زنان و کودکان دریغ نکردند، و عده داده میشد که ظرف مدت سه سال به هر خانوار ایرانی یک واحد مسکونی تعلق می‌گیرد. روزی اعلام کردند که پایتخت‌های خالی کسانیکه که دهنها و صد‌ها واحد مسکونی دارند، گرفته‌شده و به افراد بی‌پناه داده شود، که البته عملی نشد. روزی می‌خواستند خانه‌های خالی را به کمک "دادگاه‌های شرع" اجاره دهند، و روزی دیگر خواستند، که مسکن دیگر "کالا" نباشد و روز دیگر واگذاری زمین را برای ساختمان عنوان کردند. و تا بنه امروز از هیچکدام از این "طرح‌ها" سرپناهی بالای سر خانواده‌های بی‌خانه و مستاجرین، که قسمت اعظم درآمدشان را باید بابت اجاره بدهند، نیامده است.

طرح ساختن ۲ میلیون واحد مسکونی طی ۵ سال، بدون تدارکات لازم برای انجام آن، نیز راه دورتری از "طرح‌ها" و "راه‌حل‌های" مذکور نخواهد رفت.

این سردرگمی و تلاطم فکری در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای حل مسایل بنیادین جامعه پدیدهای است، که روزی بیشتر بر مردم خوانندگان تحت عنوان "راه حل اساسی مشکل زمین به برنامه ریزی نیاز دارد" می‌بینیم.

این نامه اتفاقاً در همان شماره روزنامه "اطلاعات" که سخنان آقای وزیر مسکن را نقل کرده بود، به چاپ رسیده است. نویسند "نامه"، که نظریه

پاسخ قبلی آقای وزیر مسکن دارد، می‌نویسد: "پاسخ وزیر مسکن و شهرسازی بیشتر روی مسئله زمین و نحوه تقسیم اولویتها دور میزند. از سیاست وزارت مسکن و شهرسازی در مورد خانه سازی چیزی اشاره نشده است. ۰۰۰ مشکل يك خانواده از نظر مسکن تنها زمین نیست، (که آقای وزیر مسکن ادعا دارد، که با تقسیم زمین ۸۰ درصد مشکل حل می‌شود، حتی اگر) فردا ۰۰۰ زمین (هم به) خانواده ها واگذار شد، تازه اول مشکلات آغاز شده است. آجر، چوب، آهن، سیمان، گچ، موزائیک ۰۰۰ آیا برای مصالح ساختمانی فکری اساسی شده است؟ بلی، اینهاست نظریات و آنهم معتدل ترین نظریات، که روزنامه‌های مجاز اجاره چاپ آنرا دارند، در میان مردم میهن ما نسبت به این "طرح‌ها" و "راه‌حل‌ها".

نیازی به توضیح نیست که برای حل واقعی مشکل مسکن فکر اساسی نشده است. زیرا برنامه دولت از زبان آقای وزیر مسکن در همان اظهارات (در تیریز) آنست، که امر خانه سازی به "کلیه اقشار مختلف مردم، بخش خصوصی تعاونی" واگذار شود که با "فعالیت حدود ۱۱۰ الی ۱۵۰ درصدی که دولت در این زمینه خواهد داشت" تکمیل شود.

معنای این سخنان آنست که سیاست خانه سازی و تهیه مسکن باز هم نظیر سیاست مربوطه رژیم گذشته بوسیله "بخش خصوصی" یعنی سرمایه داران بساز و بفروش و اجاره خوار تعیین شود. و این سیاست دولتی است که بموجب اصل ۴۳ قانون اساسی برآمده از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن موظف به تأمین مسکن برای همه شهروندان است.

تنها راه برون رفت از معضل مسکن تدارک شرایط و اجرایی پیشنهاد حزب توده ایران در این مورد است. حزب ما در برنامه سال ۱۳۶۰ خود در باره حل مسئله مسکن از جمله چنین تصریح می‌کند:

"حل مسئله مسکن یکی از مهم ترین وظایف دولت مردمی است و باید آنرا بعنوان یکی از مهم ترین بخش‌های اقتصادی مربوط به زندگی مردم، بطور عمده و تعیین کننده در بخش دولتی و تعاونی متمرکز ساخت. تنها از راه تدارک و عطی ساختن يك برنامه جامع و دراز مدت میتوان برای مشکل اجتماعی چیره شد و تنها از راه توسعه همه جانبه فعالیت بخش دولتی و تعاونی در زمینه تهیه مسکن ارزان قیمت برای زحمتکشان میتوان بخش خصوصی فعال در زمینه خانه سازی را زیر کنترل قرار داد و امکاناتش را در چهارچوب برنامه ریزی عمومی یکا گرفت. کمک به خانه سازی انفرادی از راه دادن وام های مسکن نیز تنها در چهارچوب چنین برنامه ریزی عمومی از لحاظ استفاده عقلایی از مصالح ساختمانی و نیروی کار و ضروریات شهر سازی می‌تواند به نتیجه مثبت برسد."

مفهوم انترناسیونالیسم پرولتری، میهن دوستی واقعی است

بقیه از صفحه ۴

را در حیات روزمره آزموده‌اند. مناسبات حزب توده ایران با کلیه احزاب برادر و از جمله حزب کمونیست اتحاد شوروی را هم باید از این دیدگاه مورد ارزیابی قرارداد.

دشمنان طبقه کارگر به جانبداری ما از نخستین کشور سوسیالیستی جهان سخت معترضند و آنرا دلیل "وابستگی" ما به اتحاد شوروی میدانند. ولی هیچ اتهامی نمی‌تواند ما را از راهی که آنرا در انطباق کامل با مصالح عالی میهن می‌شماریم، منصرف سازد. ما بارها گفته و باز تکرار می‌کنیم که لطمه زدن به اعتبار احزاب کمونیست و کارگری و کشورهای سوسیالیستی راکه دوستان طبیعی انقلابات آزاد بخش می‌باشند، تضعیف مجموعه روند انقلابی و مآل تقویت ضد-انقلاب و امپریالیسم در جهان می‌دانیم.

ستمدیده تنظیم گردد؛ راه دیگری وجود ندارد. ما دفاع از انترناسیونالیسم پرولتری را یک ضرورت حیاتی می‌شماریم. زیرا انترناسیونالیسم پرولتری نیروی شگرفی است، که منافع اساسی طبقه کارگر و همه زحمتکشان را تجسم می‌بخشد. ما اعتقاد راسخ داریم و تجربه تاریخی نیز موید آن است که مبارزه انقلابی در داخل هر کشوری با مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی و نقش سیستم جهانی سوسیالیسم در این پییکار بی‌امان، پیوند ناگسستنی دارد. بین المللی شدن مبارزه انقلابی محصول قدرت روزافزون سیستم جهانی سوسیالیسم و محصول بسط انترناسیونالیسم پرولتری بر تمام جهان است. میلیونها انسان در کشورهای آزاد شده از سیطره استعمار و نواستعمار، تاثیر حیاتی بخش این اصل

سردرگمی وزارت صنایع سنگین!

صحبت نمی‌کنیم (ادامه می‌یابد)

بنابر شواهد امر و " سیاست های " اعلام شده می‌توان به این نتیجه رسید، که هدف وزارت صنایع سنگین نه ایجاد پایه‌های صنعتی (ازتوسع ملی و مستقل آن) بلکه ایجاد واحدهای کوچک " تولید انبوه " است که عملاً در خدمت صنایع مونتاژ قرار می‌گیرد. اگر دولت و به تبع آن وزارت صنایع سنگین خیال میکنند، که از این جهت می‌توانند به میزان وابستگی صنایع مونتاژی به خارج بکاهند سخت در اشتباهند. اینکار جز هدر دادن منابع مالی دولتی چیزی به دست نخواهد داد.

این طرزحما به حق نگرانی مردم میهن ما را که شاهد بازگشت راه پیموده شده توسط جمهوری اسلامی ایران هستند، برمی‌انگیزند. مردم این سؤال را مطرح می‌کنند، که آیا " سیاستی " که خواهد داد منابع و امکانات اقتصادی کشور را در خدمت صنایع مونتاژ قرار دهد یا سیاست رژیم گذشته فرقی دارد؟ آیا اعمال اینگونه " سیاست ها " باز هم ایران را در کمند وابستگی امپریالیستی و تقسیم کار بین‌المللی سرمایه‌داری نگه نمی‌دارند؟

در پرتو این واقعیت است که تصمیم دولت مبنی بر پرداختن تا ۷۰ درصد کل سرمایه این واحدها بصورت وام به متقاضیان نگرانی می‌آفریند. آیا وزارت صنایع سنگین در نظر دارد با دادن ۷۰ درصد کل سرمایه این واحدها بصورت وام بی بهره به متقاضیان (بدون عایدی را با بیت‌المال سرمایه دار کند؟

در این مورد آقای مهندس محمودی اظهار می‌دارد، که " بانکهای سپه استان به منظور مشارکت در ایجاد این واحدها تا ۷۰ درصد وام به متقاضیان خواهند داد. " از این گفته چنین بر می‌آید که هدف دولت نه سهم شدن در این واحدهای تولیدی است، که ۷۰ درصد سرمایه آن از بیت‌المال پرداخت شده، و حتی نه تأمین نظارت دولتی بر عملکرد این واحدهای تولیدی است، بلکه می‌خواهد فقط در ایجاد این واحدها - مشارکت - کند و از این طریق دولت جمهوری اسلامی ایران را و بیت‌المال خلق را به نردبان سرمایه‌داری تبدیل کند و بویژه اگر " وام " نه بصورت اعتبار بلکه بصورت پرداخت پول انجام شود.

حمایت از صنایع آنهم صنایع کوچک و متوسط امر لازم و ضروری است که باید دولت در این زمینه کوشا باشد. اما این " حمایت " از طرف وزارت صنایع سنگین را، یعنی اعطای تا ۷۰ درصد کل سرمایه، جز سرمایه‌داری پروری به چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد.

هرچ و مرج در برنامه ریزی و عدم وجود طرحی جامع و واقع بینانه که از رهنمودهای مضرحه در قانون اساسی برخاسته باشد و از اهداف استقلال طلبانه و عدالت‌گسترانه انقلاب نشأت گرفته باشد،

مصاحبه ذوتن از کارشناسان وزارت صنایع سنگین درباره " طرحهای ایمن وزارت خانه که گویا برای حمایت و گسترش " واحدهای کوچک تولیدی "، کسه از طریق اعطای وام دولتی تا ۷۰ درصد سرمایه‌های لازم به متقاضیان قرار است ایجاد شود، ما را بر آن داشت تا پیرامون مطالب عنوان شده و سیاست دولت در این زمینه نظر خود را بیان کنیم.

مهندس قاسمی، یکی از کارشناسان طرح و برنامه ریزی وزارت صنایع سنگین، در این مصاحبه (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۲) اظهار داشت، که این وزارتخانه در نظر دارد بر اساس سه طرح اساسی به ایجاد مراکز تعمیراتی، تولیدی، تراشکاری، قالب سازی و ماشین سازی در قطب‌های صنعتی شهرها و روستاها کمک کند. بر طبق این گفته‌ها ادعا می‌شود که هدف ایجاد امکانات لازم برای تأسیس واحدهای تخصصی " کوچک " بسا " تولید انبوه " است. همچنین هدف بر طرف کردن نیازهای مالی و فنی سایر کارگاه‌های صنعتی موجود در کشور نیز می‌باشد.

چنین برنامه‌ها باید در زمان بی‌سود و بوق و کرنا اعلام شد و میلیونها ریال به افسراد " وام " پرداخت شده، که همه به باد هوا رفتو نتیجه‌های برای توسعه تولیدات نداشت.

ایجاد و گسترش واحدهای کوچک تولیدی، که باید در حلقه تولید بزرگ وارد شود و در خدمت تولید بزرگ قرار گیرد، چیزی است لازم و اگر سیاست اقتصادی - صنعتی درستی در این زمینه در پیش گرفته شود، می‌تواند به استقلال اقتصادی کشور یاری رساند. باید یادآور شد، که هدف از این گونه واحدهای صنعتی کوچک، تولید مواد نیم ساخته و بخش‌ها و اجزای سنگ محصول مرکب و یا ارائه خدمات برای صنایع بزرگ است. نکته دیگر و اساسی‌تر آنکه موجودیت این گونه صنایع کوچک و خدماتی تنها در سایه ایجاد و گسترش صنایع سنگین و مادر ممکن است و معنی واقعی خواهد یافت. لیکن آنچه که در طرح کنونی وزارت صنایع سنگین نمی‌توان یافت

آنست، که آیا این طرح بخشی از طرح کلی دولت در جهت صنعتی کردن کشور است، که ایجاد صنایع بزرگ و مادر باید حلقه مرکزی آنرا تشکیل دهد؟ یا اینکه سیاست دولت در جهت تاکید بیشتر به ایجاد همین واحدهای کوچک تولیدی سیر میکند؟ تاکنون هیچ طرحی که بیان کننده سیاست دولت در زمینه توسعه صنایع سنگین و مادر باشد، منتشر نشده است و هفسان سیاست قبلی مبنی بر حفظ صنایع مونتاژ و غیر اساسی و عدم گسترش لازم صنایع مادر از جمله صنایع فولاد (که هنوز ۵۰ درصد تیراهن مورد نیاز کشور از خارج وارد میشود، از کمبود انواع فولاد

نمود دیگر خود را در این طرح وزارت صنایع سنگین یافته است. آخرین نکته‌ای که از مطالعه این طرح ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، آنست که وزارت صنایع سنگین، که برای اولین بار در ایران بعد از پیروزی انقلاب تأسیس شده، و هدف از تأسیس آن برنامه ریزی و اقدام به ایجاد صنایع سنگین و رشد و گسترش آن بوده است، اولین طرح به اصطلاح " جامعی " را که مطرح می‌سازد، درباره ایجاد کارگاه‌های کوچک تولیدی است. تردیدی نیست که جمهوری اسلامی ایران در این گونه طرح‌های در هم و بدون دورنما و کوتاه نفس که سقوط به دامن امپریالیسم را تشدید می‌کند، صاحب صنایع سنگین، نخواهد شد و بسه " خودکفایی " هم نخواهد رسید.

تمام این سردرگمی‌ها را باید کوششی به منظور به فراموشی سپردن اصل ۴۴ قانون اساسی درک کرد که وزارت صنایع سنگین در راست برای تحقق آن ایجاد شده است ولی اکنون برای اسب‌دار شدن فعلاً به تهیه نعل آن پرداخته است.

بیانیه کمیته برون مرزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

مقامات " امنیتی " ایران با خود اری هد فمندان از انتشار لیست کامل دستگیرشدگان حزب توده، ایران و جلوگیری از دیدار ناظران و کارشناسان بیطرف بین‌المللی از زندان‌های ایران، همچنان به پرده پوشی بر هرگونه ددمنشی دیروز، امروز و فردای خویش ادامه می‌دهند.

کمیته برون مرزی حزب توده، ایران از دولت جمهوری اسلامی ایران من خواهد، تا هر چه زودتر به انتشار لیست کامل دستگیرشدگان و زندانیان کنونی حزب توده، ایران مبادرت ورزد.

حزب توده، ایران همه عناصر، نیروها و سازمانهای آزاد بخواه و دمکراتیک را در سراسر جهان فرا می‌خواند، تا با ادامه و گسترش کلزارار همبستگی خود با زندانیان توده‌ای و دیگر برزندگان هواداران انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران، رژیم جمهوری اسلامی را به خاتمه سرکوب وحشیانه حزب توده، ایران و آزادی فوری و بلاشرط زندانیان توده‌ای و دیگر هواداران اصیل انقلاب وادار سازند.

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

کمیته برون مرزی حزب توده، ایران

۱۴ تیرماه ۱۳۶۲



گامی تازه در جهت حفظ صلح

دبیران کل و اهل احزاب کومنیست و کارگری کشورهای سوسیالیستی اروپا، همسراه روسای شورای وزیران، وزرای امور خارجه و دفاع این کشورها در مسکو با هم دیدار کردند تا درباره مسائل پیرامون حفظ صلح و خصوصاً مذاکرات ونو به تبادل نظر پردازند.

در بیانیه مشترکی که در پایان مذاکرات منتشر شد با ترسیم اوضاع متشنج بین المللی و تیره شدن مناسبات میان کشورها و خطری که میتواند فاجعه هسته‌ای در بر داشته باشد، اشاره شده است، که کشورهای غربی هنوز هیچ پاسخی به پیشنهادات کنفرانس سران پیمان ورشودر پراگ نداده‌اند. در این بیانیه خاطر نشان شده است، که علیرغم گسترش دامنه مسابقه تسلیحاتی و با وجود مذاکرات متعدد خلع سلاح هنوز هیچ پیشرفتی در این زمینه دیده نمی‌شود. از این جهت مذاکرات ونو پیرامون تحدید سلاحهای هسته‌ای در اروپا، مذاکرات ونو درباره تحدید سلاحهای استراتژیک در اروپا، مذاکرات وین و کمیسیون خلع سلاح ونو. در این بیانیه گفته شده است که:

" اکنون این پرسش که چگونه میتوان از تحول مخاطره آمیز اوضاع و سقوط به ورطه فاجعه جلوگیری نمود، در برابر تمام خلقها و ملتها



قرار دارد:

توقف فوری مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح، مسئله مرکزی زمان ما را تشکیل می‌دهد. در این بیانیه انعقاد موافقت نامه‌ای پیرامون تحدید سلاحهای هسته‌ای در اروپا، از جمله عدم استقرار موشکهای اتمی جدید، ممکن شمرده شده است. به این شرط که طرفین حداکثر تفاهم متقابل و خواتنت سیاسی برای رسیدن به این هدف را از خود نشان دهند. شرکت کنندگان در این دیدار به دست زدن به هر اقدامی برای رسیدن به توافق پیرامون عدم استقرار موشکهای میانبرد جدید در اروپا و تحدید موشکهای میانبرد موجود فرا خواندند. در بیانیه پایانی کنفرانس هم چنین خواسته شده که به خاطر حفظ صلح و امنیت خلقها لازم است، سلاحهای هسته‌ای تمام قدرتهای هسته‌ای، بویژه آمریکا و اتحاد شوروی در سطح کنونی بمانند. در این سند همچنین خواسته شده است، که هزینه‌های نظامی از سال آیند ه

افزایش نیاید، بلکه تدریجاً کاهش داده شود. در این بیانیه هم چنین تأکید شده است، که مرزهای اروپا غیر قابل تغییراند و هیچگونه اجازهای به کسب برتری نظامی در این قاره داده نخواهد شد.

در جستجوی کدام "قهرمان" اند؟

بقیه از صفحه ۶

به لب می‌رسانند آنها با بمب گذاری و ترور، با تمام وسائل و شیوه‌های مافیایی تدارک ناامنی، بی‌قانونی، خفقان و سرکوب و غارت را می‌بینند، درست به این منظور که بتوانند با صد فی‌بند و گیری ملذذبان و مبلغان حماسه خوان، برای " دست آهنین " حماسه بخوانند و تدارک سر کار آمدن " قهرمانان " خود را، که از نوع هیترهای آلمانی، پینوشه‌های شیلیائی، و رن های ترکی و نییری‌های سودانی، و ... هستند، ببینند. آیا تسلیم طلبان نمی‌بینند و درک نمی‌کنند که نمی‌توان با عقب نشینی و تسلیم طلبی از پل صراط خدمت به زحمتکشان گذشت؟

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در گراتس (اتریش) هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند

رفیقان ۱۸۱۸ سوند، ۳۰۰ کرون فرایبورگ، ۳۰۰ مارک

RAHE TUDEH
No. 49
Friday, 8 July 83
Winfried Schwarz
Address: Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	DM	Italy	600
France	3	Fr.	U.S.A.
Austria	8	Sch.	Sweden
			3
			Skr.

اطلاعیه فدراسیون سندیکائی جهانی - پراگ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۳

همبستگی با زحمتکشان و سندیکاهای ترکیه به مناسبت سالگرد روز "مقاومت عمومی" زحمتکشان ترکیه (سال ۱۹۷۰)

۱۵ و ۱۶ ژوئن سال ۱۹۷۰ در تاریخ جنبش سندیکائی ترکیه و جنبش کارگری بین المللی اهمیت خاصی دارد. در چنین روزی، هزاران زحمتکش ترک در استانبول و نواحی اطراف آن دست به اعتصاب زدند و شهر را فلج کردند.

این تاریخ بخوان روز "مقاومت عمومی" اعلام گردید. این اعتراض پدیده‌ای علیه طرح ارتجاعی دولت ترکیه، که برای تحدید نظر در قوانین سندیکائی و غیرقانونی کردن سندیکاهای رزمند " دیسک " تهیه شده بود، صورت گرفته است.

فدراسیون سندیکائی جهانی به مناسبت یاد بود این روز مهم به همه زحمتکشان و سندیکاهای ترکیه درود می‌فرستد و همبستگی کامل خود را با مبارزات زحمتکشان ترکیه برای احقاق حقوقشان، آزادی رهبران سندیکائی زندانی شده و تضمین کامل حقوق سندیکائی و دموکراتیک، اعلام میدارد.

ترور و اختناق که پس از بدست گرفتن حکومت بوسیله نظامیان در ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، بوجود

آمد نتوانست روح "مقاومت عمومی" سال ۱۹۷۰ را خفه کند. اختناق ضد سندیکائی و ضد کارگری که خلقهای از سیاست عمومی ضد ملی است نتوانست مبارزات زحمتکشان ترکیه را متوقف سازد. برنامه "ریاضت عمومی"، سقوط ناگهانی دستمزد واقعی، ازدیاد سریع بیکاری، محصول مستقیم نظم ارتشی، موجب تشدید بحران اقتصادی و ناپسندانی زندگی اجتماعی در همه مظاهر جامعه است.

با روی کار آمدن رژیم نظامی در ترکیه، سیاست دولت هرچه نزدیکتر در جهت یک سوئی و همکاری با سیاست محافظ نظامی تجاوز کار "اوتان" سوق داده شد. رژیم نظامی برای نیروهای واکنش سریع آمریکا، پایگاه نظامی بوجود آورد که علیه ملت‌ها و خلقهای منطقه مورد استفاده قرار گیرد. همه اینها تهدیدی است علیه صلح و امنیت زحمتکشان و خلق ترکیه در سراسر منطقه و جهان.